



۱۰ اسفندماه ۲۰۳۶ شاهنشاهی
 ۲۱ ربیع الاول ۱۳۹۸ هجری
 ۱ مارس ۱۹۷۸ میلادی } چهارشنبه

مذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز چهارشنبه (۱۰) اسفندماه ۲۰۳۶ شاهنشاهی

فهرست مطالب :

- ۱- قرائت اساسی غائبین جلسه قبل .
- ۲- دنباله بحث در کلیات لایحه بودجه سال ۲۰۳۷ کل کشور .
- ۳- تقدیم دولایحه : (۱) «اصلاح بودجه سال ۲۰۳۶ پیشنهادی تربیت بدنی ایران» (۲) : «اصلاح بودجه
- سال ۲۰۳۶ (تربیت بدنی - نگهداری مجموعه ورزشی آریامهر) « توسط آقای غلامعلی توسلی معاون وزارت آموزش و پرورش .
- ۴- تقدیم بودجه سال ۲۰۳۷ مجلس شورای ملی توسط آقای جعفر منصوریان (کارپرداز) .
- ۵- اعلام دستور جلسه آینده - ختم جلسه .

جلسه ساعت نه صبح بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل شد

۱- قرائت اساسی غائبین جلسه قبل .

رئیس - اساسی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه آقایان : بنی احمد - بهبهانی - بیات - توده - جاف - جباری - محمدجباری - دهقان - ساکینیان - سعادت قدس نیا - سعیدی - شهبازی - صفری پور - طرفی - ابوالحسن عاملی - دکتر عدل - قریشی - ماحوزی - دکتر نصیری - نواب صفا - یاسینی - محمدی دشتکی .
 بانوان : ابا آقایان - اباصحبی - ابتهاج سمعی - زاهدی - ضرابی .

۲- دنباله بحث در کلیات لایحه بودجه سال ۲۰۳۷ کل کشور .

رئیس - وارد دستور میشویم کلیات لایحه بودجه سال ۲۰۳۷ کل کشور مطرح است آقای دکتر طبیب شریف بیاورید .

دکتر حسین طبیب - جناب آقای رئیس ، همکاران ارجمند ، در جلسه شب گذشته درباره بودجه کل کشور

مسائلی بعرض رسید و درباره آموزش و پرورش سخن ادامه داشت که وقت جلسه شب گذشته پایان رسید و جای بسی خوشوقتی است که امروز می توانم دنباله مطالب شب گذشته خود را ادامه بدهم و اینک درباره مسائل درمانی و بهداشتی باختصار مطالب ضروری را بعرض میرسانم :

دستگاههای سرویس دهنده گوناگونی در سطح مملکت هستند که متأسفانه هم آهنگی بین این دستگاهها وجود ندارد . همه این دستگاهها متعلق به مملکت هستند دریک جا چند متخصص دریک رشته مشابه وجود دارد در صورتیکه در جای دیگر که نیاز هست توزیع متخصصین بطرز درست انجام نگرفته و یا اصلاً پزشک وجود ندارد سابقاً درمانگاههایی کار میکردند که اگر به بهبود مدیریت در آن سیستم پرداخته بودیم وضع درمانی مملکت به عقیده من بسی بهتر از وضع کنونی بود و از فشار روی بازار طبابت بولی میکاست و طبابت بولی ناگزیر بود وضع خود را بر آن اساس تنظیم و منطبق بنماید بودجه های مربوط به وزارت بهداشتی و امور درمانی مملکت در این

نه سال روند افزایش قابل توجهی داشته اما متأسفانه باید بگویم کمتر به کلی که راضی باشد برخورد می‌نمائیم هیچ طرز کار و شکل کاری بخودی خود واجد ارزش مطلق نیست باید دید از آن شکل کار به چه ترتیب استفاده و بهره برداری میشود.

مکانیزم بخش خصوصی بطور کلی ناظر بر سودجویی هرچه بیشتر است و هیچ نوع تعهد و تکلیف و مسئولیتی بر اساس طبیعت خودش ندارد اما طبیعت سیاست ملی ناظر بر حفظ حقوق و مصالح و منافع عمومی جامعه است به همین منظور برای تحقق هدف های سیاست ملی بخش دولتی و عمومی باید با بهبود مدیریت ها این الگوها را بوجود بیاورد تا بخش خصوصی ناگزیر به پیروی از ضوابط آن باشد. در سیستم درمانی امروز عملیات وقت بگیر و برزحمت و با مسئولیت درمانی که جنبه سودآوری آن در برابر موارد دیگر (پول‌ساز) علی رغم لذت معنوی و رضایت وجدانی با وسائل مادی قابل سنجش نیست در جامعه پوشش کافی ندارد. بخش عمومی یعنی دستگاه مسئول درمانی و بهداشتی مملکت با بیشترین سرمایه و قدرت و امکاناتی که در اختیار دارد باید از طریق تقویت نظام طبابت وجدانی و وظیفه شناسی و انسانی که متناسب با طبیعت کار و شئون حرفه شریف پزشکی مورد انتظار جامعه است، در برابر نظام پول ساز و نارانه، این پوششی را که ناظر تضعیف آن در حال حاضر هستیم بوجود بیاورد.

با این ترتیب تصور من بر این است که نتایج مؤثری بدست خواهیم آورد و بخش خصوصی هم ناگزیر خود را با همان سیاست ها منطبق خواهد نمود.

در اجرای سیاست تقویت و نیرومندی نظام طبابت و وظیفه شناسی و وجدانی و شرافت حرفه پزشکی نظرم این است که گزینش برگزیدگان نظام پزشکی بوسیله مردم که دریافت کنندگان خدمات درمانی هستند انجام بگیرد.

با این ترتیب مسابقه و رقابت سالم و جدیدی در جهت بالا رفتن مقام معنوی پزشک در جامعه بوجود خواهد آمد.

و چون پزشکان برگزیده شده در هیئت های مدیره نظام پزشکی پزشکانی خواهند بود که گزینش آنان بوسیله مردم صورت میگیرد نظام پزشکی مملکت از قدرت و حیثیت بمراتب بیشتری در پیوند با مردم برخورداری خواهد شد و روح تفاهم متقابل و ارزشمندی بین پزشک و جامعه که دریافت کنندگان خدمات پزشکی است بوجود خواهد آمد که امید است مورد بررسی قرار بگیرد احداث بیمارستانهای گران قیمت و لوکس و پرهزینه پاسخ گوی مسائل درمانی

مملکت ما نیست (صحیح است) کدام درآمد عمومی خواهد توانست هزینه یک چنین تختخواب های گران قیمت را بپردازد؟ با هزینه های بسی کمتر و متناسب با درآمدها و انتظارات عمومی ما میتوانیم بیمارستانهای ارزان قیمت تازه ای بسازیم که هدف آن بیمارستانها معالجه مردم باشد نه پولسازی و سودجوییهای بی حد و حساب سرمایه گذاران، وجود تختخواب های خالی بخاطر آن نیست که اضافه بر نیازهای جامعه ما باشد بلکه بخاطر آنستکه توانائی اقتصادی و درآمد مردم متناسب با یک چنین هزینه هائی نیست. سرمایه گذاری در امور پزشکی غیر از سرمایه گذاری در رشته های با اصطلاح سودآور است در رشته های دیگر آدم به میل خودش خرج میکند بنابراین آدمی که پول و امکان ندارد بخودی خود مصرف کننده برای آن رشته از سرمایه گذاری نیست ولی در امر پزشکی آدم به میل خودش بیمار نمیشود که حساب خرج آنرا بتواند نگاه بدارد.

یکی از علل گسترش ناموزون تهران نبودن امکانات درمانی به معنای واقعی در شهرستانها و روستاها و مراکز دیگر مملکت میباشد زیرا که درمانگاه روستائی که چندین روستا را پوشش میداد رفته رفته داروهای اصلی و ابتدائی بیمارهای فضلی را نداشتند از راههای دور با چه زحمت روستائیان می آمدند مثلاً شربت سرفه موجود نداشتند آب مقطر برای تزریق آنتی بیوتیک نداشتند از شیشه سرم نیم لیتری برای یکسانیت مقلد استفاده میکردند و بعد چون سرم نیم لیتری غیر قابل استفاده میشد آنرا دور میریختند گفتم شما چکار می کنید و چه سرویسی ب مردم میدهید؟ گفتند به کارهای بهداشتی می پردازیم. وقتی بازدید کردم دیدم هیچ واکنشی موجود ندارند (صحیح است).

پزشکی که در آنجا بود بمن گفت من چهار ماه است اینجا هستم هیچ واکنشی در اختیار نداشتیم در بسیاری از روستاها رتیم خانه برای پزشک درست کرده بودند ولی مخروبه و اکثر سرویس های آن غیر قابل استفاده بود بسیاری از موتورهای برق روستائی که برای درمانگاه و خانه پزشک درست کرده بودند بخاطر یک نقص کوچک فنی بدون استفاده باقی مانده بود.

در یک بخش رتیم از پزشک خودشان نهایت رضایت را داشتند و همه از او تعریف میکردند و می گفتند یک پزشک نمونه است اما نمیدانم بچه دلیل او را عرض کردند.

من گفتند درمانگاه نساء بین کرج و جالوس که

اکثر در آن جاده حوادث و تصادفات مرگبار صورت میگردد فاقه و سائل برای کمک های اولیه و فوریت های پزشکی است!

درباره مسئله دارو و لوازم پزشکی که موضوع قابل بحثی است چرا بنگاه داروئی کل کشور با مدیریت صحیح نتواند روی تقسیم و توزیع درست دارو اثر مثبت بگذارد؟ و رقابت سالم و مثبت و الگویی قابل تقلیدی را بوجود آورد؟

این دقت رجه های خدمات درمانی اکثراً علاوه بر دقت رجه یک پول اضافی هم دریافت می نمایند به این کار یک سرو صورتی بدهید یک نرخ و ترتیبی بگذارید که دیگر این حرف ها و این کارها وجود نداشته باشد و اگر کسی هم ترتیب کار شما را نمی پذیرد با کسی قرارداد بگذارید که بالاخره نرخ و ترتیب شما را قبول داشته باشد. این چیزها مسائل لاینحلی نیست که نتوان راه چاره آنرا پیدا نمود.

وقتی نمایندگان مجلس چیزی میگویند اینها سفیران با حسن نیتی هستند که از سوی مردم برگزیده شده اند و مشکلات و حقایق زندگی مردم را بازگو می سازند به این چیزها توجه کنید نه آنکه در برابر آن موضع مقاومت و سرسختی و پاسخ گوئی بگیرید.

در حالیکه ما با تنگنای نیروی انسانی پزشک در کشور مواجه هستیم و در حالیکه مرتب پزشک خارجی استخدام می نمائیم چه ضابطه ای برای بازنشسته کردن پزشکان و کار پریران پزشکی وجود دارد.

هم اکنون پرستاری مرتب بمن شکایت می کند که پیش از موقع او را بازنشسته کرده اند و از من می خواهد که بر سر خدمت ابقاء بشود این یک نمونه است که نمونه های فراوانی وجود دارد.

سیاست و مدیریت مطلوب ایجاد تفاهم و یکپارچگی و حل اینگونه مسائل که با کمترین تفاهم و حسن نیت قابل حل خواهد بود می باشد نه دامن زدن به اختلاف و افزودن به مسائل و مشکلات، پیشرفت های جالبی وجود دارد کسی منکر نیست آنچه که امروز هست با آنچه که در گذشته بود متفاوت است اما فراموش نکنیم چشم انداز توقعات و انتظارات ملت ایران چیز دیگری است.

از ایجاد پراکندگی و تفرقه در بین نهادها و نیروهائی که هر کدام می توانند در پیشرفت کارهای مملکت مؤثر باشند جز بهره گیری دشمنان مملکت چه حاصل است؟

در زمینه اداری مسئولان باید احساس مسئولیت نمایند مملکت احتیاج به دستگاه اداری دارد اما این دستگاه اداری برای کشودن مشکلات و مسائل بوجود می آید نه

ایجاد مزاحمت و دردسر (احسن) مفهوم انقلاب اداری همین است که هر مسئول نقش و وظیفه و مسئولیت خودش را بخوبی درک کند مثلاً سازمان حفاظت محیط زیست که این همه درباره اش سخن میگویند آنجا که کارش ایجاد مشکل و مانع برای مردم است خیلی بالاتر و کاسه از آتش گرم تر وظیفه شناسی را به رخ میکشد ولی آنجا که راجع به وظیفه خودش میباشد و انتظاراتی که جامعه از بوجود آوردن یک چنین سازمانی دارد ساکت و بدون اثر است.

من نمیدانم اگر این سازمان نباشد چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ (احسن)

در بند ردیم رتیم گفتند یک شرکت بیمه انکاری هست که قضولات را در رودخانه زهره لیراوی میریزد و حدود ۱۰ هزار نفر از آب این رودخانه استفاده میکنند و بنابه تشخیص آزمایشگاه آب رودخانه آلوده شده و سازمان حفاظت محیط زیست عملی انجام نداده و یا همانطور که عرض کردم وقتی این سازمان میخواهد ابراز وجود بنماید بیاد حمایت از خوک های وحشی می افتد و مانع اصلاح مسیر رودخانه کره بند که آبش به دریا میریزد و زندگی کشاورزان را مختل نموده است میشود! مفهوم عدم تمرکز در زمینه اداری و دیوانی یعنی تقسیم و آشنا بودن به مسئولیت ها مثل عمل یک شنا هرگ که در سوی رگ ها و حتی سلول ها هم بازتاب پیدا مینماید.

مفهوم عدم تمرکز یعنی مشارکت در شناخت سیاست ها و ضابطه ها از طریق ارتباط دو جانبه که در هر سطح انجام میگردد.

مفهوم عدم تمرکز یعنی فعال بودن و زنده بودن و مؤثر بودن هر جزء از اجزاء حیات مملکت و روشن بودن وظیفه و مسئولیت هر کسی در هر سطح.

وقتی موتور لنج ها که در بنادر ساحلی کار می کنند برای تجدید پروانه دریا نوردی باید از مراکز دور دست به مراکز استان بیایند و با تعدادی ملوان و خدمه کشتی چندین روز سرگردان و بی تکلیف بمانند در حالیکه با اعزام یک سامور سیار به خوبی میتوان این موضوع را حل و فیصله داد. نتیجه میگیریم که سیاست عدم تمرکز آنطور که باید درک نشده و هنوز دیوان سالاری غیر ضروری به قوت خودش باقی است.

در بخش های دور افتاده مملکت اکثراً اتومبیل دارند و متقاضیان گواهینامه رانندگی روز افزون است اعزام یک هیئت سیار به این قبیل بخش ها کار مشکل و پیچیده ای نیست ولی نشان میدهد که هر کس سهم خودش در پیشرفت سیاست عدم تمرکز احساس مسئولیت مینماید

اما اگر هنوز هم مثل سالهای گذشته بخواهیم که مردم از نقاط دوردست به یک نقطه معینی مراجعه کنند مفهومش این است که هنوز باید در این مفاهم فاصله زیادی داریم.

برای گذرنامه مرزی که روستائیان ساحلی مرتب با آن سرو کار دارند در بنادر ساحلی بهمین ترتیب ناچارند یا به بوشهر و یا به بندر لنگه بروند این کار به سادگی میشود در محل تشریفاتش را انجام داد.

سیاست های مملکتی مسائل نمایشی و تبلیغاتی نیستند که با بیانی و تکرار آنها کار درست بشود این سیاست ها چیزهایی هستند که باید روی آنها نظارت کامل صورت بگیرد آیا همانطور که لازم است اجرا میشود یا خیر؟

در بازدیدهای خودم موضوع دیگری را برخورد نمودم و آن اینکه روستائیان ساحلی برای اخذ گواهی اجراز سکونت مرزی باید به مرکز بخش بروند چه مشکلاتی و دردسرهایی برای مردم درست می شود خیلی به سادگی یک نفر از بخشداری می تواند به روستای ساحلی برود و اجراز هویت مرز نشینی را بنماید که از نظر اصولی هم با دقت کامل تر و بیشتری قابل اجرا خواهد بود.

باید یک دید وسیع و مملکتی وجود داشته باشد که این چیزها را درک کند و اگر یک چنین دید مملکتی وجود نداشته باشد مسئله عدم تمرکز با یک دستور اداری هرگز تحقق نخواهد پذیرفت زیرا شرط اول موفقیت سیاست عدم تمرکز آگاهی و احساس مسئولیت نسبت به یک دید و برداشت مملکتی است.

۴ سال پیش هنگامی که به یکی از بخش ها مسافرت کردم در فروشگاه بنزین وجود نداشت بالاخره بهر ترتیب بود از ژاندارمری کمک گرفتم و از ذخیره موجود بنزین پاسگاه ژاندارمری استفاده نمودم در موقع مراجعت هم دوباره بنزین موجود نبود معلوم شد اکثر

اوقات بهمین ترتیب بنزین در فروشگاه وجود ندارد امسال هم در یک بخش دیگر با همین مسئله مواجه شدیم حتی این هفته ژاندارمری هم ذخیره بنزین موجود نداشت که بما بدهد و به همین دلیل برنامه مسافرت و بازدید نیمه تمام ماند.

عدم تمرکز یعنی یک مسئول در هر نقطه مسئولیت را مشخص و ایجاد هم آهنگی نماید معنی عدم تمرکز نیست بیزنشستی و از قلمرو مسئولیت غافل و بی خبر بودن نیست من نظر خاصی ندارم و این چیزها را برای نمونه میگویم. عدم تمرکز یعنی دورترین نقطه هم بتواند از مواهب

و برکت ها و امکانات مملکت استفاده نماید نه فقط آنها بتوانند حرفشان را بزنند و کارشان را انجام بدهند که با مراکز قدرت ارتباط نزدیکتری دارند مثلا مگر نمی شود کمیسیون معافیت ورود ماشین آلات که در وزارت صنایع و معادن تشکیل می شود بجای آنکه در تهران باشد در نقاط دیگر مملکت کار خودش را انجام بدهد؟ همین چیزها با ابعاد زیادتر نشان میدهد علت گسترش روز افزون و بی حساب شهرهای بزرگ که به حد حفقان آور می رسد چیست؟ و چرا تهران روز بروز بزرگتر و غیر قابل سکونت تر می شود و بهمان نسبت مهاجرت ها و جابجائی غیر ضروری جمعیت و ایجاد تنگناهای گوناگون بوجود می آید؟

دستگاه اداری مملکت ما هنگامی خواهد توانست در راه عدم تمرکز و مشارکت در سازندگی ملی قدم بردارد که بجای مأموران معذور و سیاست باز که خودشان را با هروضع سهولت و با سرعت منطبق می سازند - ما معتقدیم به اجرای سیاست ملی را درست ها و مواضع اجرائی مملکت تقویت بنمائیم و پیش کسوت ها - الگوهای قابل تقلید و مورد احترام و اعتماد جامعه باشند

که در هر صورت و اوضاع و احوالی نسبت به سر نوشت این مملکت احساس تعلق و مسئولیت داشته باشند. روحیه دستگاه اداری ما و با اصطلاح دیوان سالاری، فرسوده است و تناسبی با منطق تحولات و فلسفه زمان ما ندارد این روحیه باید عوض بشود و قوانین استخدامی مادر متابعت از این روحیه جدید تنظیم و مورد اجرا گذاشته شود یک چنین قانون استخدام با روحیه جدید باید شمول عام داشته باشد نه اینکه هر دستگاه به نحوی بکوشد که خود را از شمول آن قانون خارج بسازد به چنین چیزی نمی توان قانون استخدام نام گذاشت.

قانون استخدام باید در پیوند با سیاست آموزشی و در پیوند با بازار کار و نیازهای جامعه فردای مملکت و مسائل نیروی انسانی جامعه ما باشد قانون استخدام بایستی ناظر بر جلوگیری از هز نیروهای انسانی و بالا بردن بازده نیروهای انسانی و جلوگیری از بروز بیکاری پنهان در تحت هر نام و نشان باشد در قوانین استخدامی باید ضابطه ها حکومت و قدرت و استحکام داشته باشد نه رابطه اشخاص تابع پست ها و مشاغل باشد نه مشاغل تابع اشخاص (صحیح است) قوانین استخدامی باید بتواند بآیندنگری و حدا کثر بهره وری از نیروهای انسانی ماهر ایرانی ما را از واردات نیروی انسانی غیر ایرانی بی نیاز بسازد (احسن است) این درست نیست که در شرایط مساوی

حقوق یکد کارشناس خارجی چندین برابر حقوق یک کارشناس مشابیه ایرانی باشد.

اصل مدرک گرانی مطلق باید در قوانین جدید استخدامی زیر بار گذاشته شود هر کسی مدعی داشته باشد هنگامی آن مدرک واجد ارزش خواهد بود که امتیازات آن مدرک در ارتباط با شغلی باشد که از او خواسته می شود نه اینکه بقول آقای نخست وزیر از آئین هم برای ارتقاء مدرک لیسانس بخواهند عدم وجود تناسب بین حقوق های بخش دولتی و بخش خصوصی ناشی از آنستکه در آندهای بخش خصوصی حد و مرزی ندارد و تا موقعیکه این حد و مرز مشخص نشده باشد هیچ حقوق و امتیاز دولتی نخواهد توانست مانع جاذبه بخش خصوصی در مورد جذب کارکنان با ارزش بخش دولتی بشود و از آنجا که کارکنان بخش دولتی ناظر به حفظ حقوق عمومی هستند تضعیف این بخش در برابر بخش خصوصی بهیچوجه مصلحت نیست از این رو به عقیده من تنها راه نظارت و کنترل بر حساب و کتاب و درآمدهای بی حد و مرز بخش با اصطلاح خصوصی است - که اکثر تاوان آنرا جامعه مصرف کننده با بهای تورم های مخاطره آمیز و بی دردی پرداخت می نماید. در شرائطی که مملکت به نیروی انسانی نیاز دارد و ما شاهد آن هستیم که عملا شرایط سنی برای کار در این مملکت وجود ندارد و با توجه به تحصیلات و تخصص هایی که مربوط به زمان مانت و اشخاص در سنین بالا به تخصص ها و مهارت های مؤثر دنیا جامعه می رسند چه دلیلی دارد که با شرایط سنی قانون استخدام راه بر اشتغال ایرانیان متخصص بسته شود و بجای آن کارشناسان غیر ایرانی با هزینه های گزاف و اثرات نامطلوب به استخدام در آیند؟ باید در شرائط سنی شاغلین به خدمت تجدید نظر بشود و قوانین استخدامی طوری تنظیم گردد تا بجای اینکه بازنشستگان که دارای سابقه و بصیرت در کار خودشان هستند پس از سنین بازنشستگی با جابجائی رشته شغلی در محل دیگری خدمت نمایند در صورتیکه خودشان علاقمند باشند و به وجود آنها نیاز باشد در همان شغل قبلی (از طریق خرید خدمت با استفاده از حقوق بازنشستگی) ادامه خدمتشان میسر باشد. مسائل رفاهی در قانون استخدام باید مورد کمال توجه قرار بگیرد زیرا هنگامی ما می توانیم از کسی انتظار کار داشته باشیم که حداقل احتیاجات زندگی او را هم تأمین نموده باشیم بنابراین در باب حقوقی هر کارمند و حقوق بگیر مملکتی باید در

ارتباط با هزینه واقعی زندگی باشد مسئله بازنشستگان جدا از مسئله شاغلین نیست زیرا هر شاغلی معمولا روزی به مرحله بازنشستگی خواهد رسید حمایت از بازنشستگان حمایت از شاغلین است حمایت از بازنشستگان روی فضای کار شاغلین اثر خواهد گذاشت زیرا هرگاه شاغل عملا احساس نماید که بهنگام بازنشستگی از حقوق و حمایت کامل برخوردار خواهد بود با صداقت و صمیمیت بیشتری کار اداری خود را ادامه خواهد داد اما هنگامی که درست یا نادرست چنان احساسی داشتند باشد که بهنگام بازنشستگی فراموش شده و از یادرفته خواهد بود بدون شک روحیه ای بوجود خواهد آمد که مانع از بروز استعدادها و قابلیت هایی خواهد بود که در مجموع به آنها وجدان کار نام میگذاریم.

و احترام به حقوق بازنشستگان که سالیهای خدمت را پشت سر گذاشته اند و جلوگیری از هرگونه تضییع حقوق آنان از اصولی است که باید برای سالم سازی سازمان های اداری مورد توجه قرار بگیرد توجه به این مسائل است که اثرات دراز مدت و سازنده بر نظام اداری مملکت بجای خواهد گذاشت.

چنانچه همین پرداخت عیدی به کارکنان که اگر از نظر مادی چندان اهمیت نداشته باشد اثرات عاطفی و روانی فوق العاده نه تنها در روحیه بازنشستگان بلکه در تجدید برداشت های کارمندان شاغل و افراد جامعه بجا خواهد گذاشت.

که امید است درخواست بشمار بازنشستگان برای برخورداری از دریافت عیدی که به همه حقوق بگیران داده میشود مورد عنایت قرار بگیرد (احسن است).

در هر صورت در بحث بودجه کل کشور مطالب فراوانی هست که مورد اشاره قرار بگیرد اما آنچه که مهم است و علت وجودی این جریان عظیم گردش اقتصادی را بنام بودجه توجه مینماید مسئولیت هائی است که انجام یا عدم انجام آنها با سر نوشت و کیفیت زندگی و ساختن آینده، ارتباط دارد و نظارت مستمر و مداومی است که با نهایت سخت گیری و دقت باید روی هر شاغلی و دینار از اموال عمومی مملکت بهنگام بحث بودجه از سوی نمایندگان ملت انجام بگیرد و هر مسئول و مجری در هر بجای مملکت بداند که در برابر ملت تا چه اندازه مسئولیت برعهده دارد.

هیچ برنامه ای در مملکت برای تمایش و دل خوش داشتن به ظواهر آن بوجود نیاید بلکه هر چه هست و وجود دارد

انتظارات جامعه ایرانی است که باید برآورده شود آسمانها و آرزوهای ملت ایران طبیعت ضد استعماری دارد (صحیح است).

اما استعمار مفت و آسان تسلیم نمی شود و با هر حیل و نیرنگ و نفاق افکنی و حرکت های مذبحخانه در صفوف اتحاد و یکپارچگی ملی دست خواهدزد.

ملت ایران سرانجام با انکاء به سیاست مستقل ملی استعمار را بزانو خواهد آورد و راهی جز آن ندارد که برای سبب قطعی با استعمار بصورت همه جانبه بسجج بشود.

این بسجج همه جانبه مفهوم اتحاد ملی و مشارکت همگانی را مجسم می سازد برای ساختن آینده ای که بسوی آن شتابانیم.

درباره فضای مسئولیت و نظارت ملی در راه پابندگی ایران - مشکوّم (احسن) - احسن).

رئیس - آقای معینی چاغروند تشریف بیاورید.

بعینی معینی چاغروند - بسمه تعالی شانه - جناب آقای

رئیس - همکاران محترم بامپری شدن بهمن ماه ۲۵۳۶ درست پانزده سال از آغاز انقلاب شاه و ملت میگذرد و در چنین موقعیت اولین بودجه مملکتی دومین دولت عصر

انقلاب در ساحت مقدس مجلس شورای ملی مورد بررسی قرار گرفته است بدون تردید رقم بودجه ۴۱۷۹ میلیارد ریالی دولت جناب آقای دکتر جمشید آموزگار و زمینه های

مظبوطیکه در جهت تحولات اساسی و بنیادی مملکت پیش بینی گردیده بهترین نمودار موقعیت افتخار آمیز ایران

امروز تحت رهبری و ارشاد فرمانده عالیقدر و پیشوای دانا و توانای ملت ایران وجود مبارک شاهنشاه آریامهر میباشد که با عنایت پروردگار جهان و استظهار به توجهات ائمه

اطهار هر روز گامهای بلندی بسوی رفاه و تعالی روزافزون ایران برداشته میشود (صحیح است) زیرا بودجه مملکتی

سکی به آرمانهای انسانی و ملی آئینه تمام نما و منعکس کننده (اهداف - اندیشه ها - تلاشها) و محتوایی است از طرز تفکر و میزان توجه و دقت در آینده نگرهای هر ملت

محسوب میگردد خدای بزرگ را شاکر و سپاس میگوئیم که رهبری اندیشمند ملت ایران بهترین طریق در راه رسیدن به دروازه های تمدن بزرگ را فرآوری ملت ایران قرار

داده و تحولات این دوران فرخنده بر تارک افتخارات ۲۵ قرن شاهنشاهی ایران درخشیدن گرفته و می رود که ملت ایران در جایگاه رفیعی که با قدمت تمدن و سابقه حیات

ملی اش متناسب باشد نقش خود را در جامعه جهانی با درخشش چشمگیر ایفا نماید (احسن) بدیهی است این چنین هدف مقدس و برنامه عظیم و سنگین به تلاش و کوشش جمعی ملت ایران نیاز دارد که خوشبختانه

حزب رستاخیز ملت ایران که با انکاء به سه اصل مقدس بنیادی فراگیر مملکت گردیده و جایگاه تمرکز نیروی فکری و بستر هدایت و ارشاد ملی است باین وظیفه مأموریت یافته

و در این تلاش مجدانه گام بر میدارد و قطعی است نمایندگان دوران رستاخیز نیز که در این برهه از زمان

افتخار خدمتگزاری در خانه ملت را پیدا کرده اند کوشش دارند بعنوان سفیران حسن نیست هم بازگو کنند نیازها و توقعات جامعه انقلابی ایران نزد مقامات مسئول اجرائی

باشند و هم برای پیشبرد برنامه مفید و مؤثر دولت که ملهم از افکار فرمانده عالیقدر مملکت و متوجه تأمین رفاه و

و آسایش ملت و اعمال نقش فعال و افتخار آمیز در خانواده جهانی است یار و مددکاری صادق و ضمیمی در جلب مشارکت و همدلی و همکاری طبقات مختلف مردم

برای تحقق بخشیدن به آرمانهای ملی نقش فعال و مجدانه داشته باشند (باین امید که تذکرات خیرخواهانه و

احیاناً انتقاداتیکه بمنظور رفع موانع و سرعت بخشیدن بگردونه تحولات و ترقیات مملکتی بیان میگردد مورد

امعان نظر و توجه قرار گیرد). زیرا در جامعه انقلابی ایران و در جامعه ای که اساس بنیادی حزب فراگیر رستاخیز آرمان

واقعی همه ملت ایران است و آحاد و افراد ملت در هر سنگر افق روشن و دیدگاه رهبری عالی مملکت را با جان و

دل پذیرا و تعقیب میکنند دیگر تصور دوگانگی وجود ندارد و بخصوص دایه های مهربان تر از مادر و

سیاستهای بیگانه باید بدانند ملت ایران با رهبری دایهانش و با هوشیاری و درایت ذاتی موقعیت و راه و روش خود را

بر تکیه گاه سیاست مستقل ملی آنچنان تشخیص داده است که به تحولات مملکتش با همه وجود افتخار میکند

تنگناهای ناشی از این تحولات را با متانت و رعایت مصالح ملی از پیش برداشته و بر میدارد و در هموار نمودن راهی

که بسرمزمل مقصودش میرساند فقط به جاودانگی ایران در فردای پرابندی که قدرت مطلق مسلط بر هستی در دوران

آریامهری برای ملت ایران رقم زده است می اندیشد (احسن) با عرض این مقدمه اینکه اجازه بفرمائید در بررسی کلیات بودجه ۴۱۷۹ میلیارد ریالی سال ۲۵۳۷ قبل از هر چیز بنام یک ایرانی و بنام نماینده ملت از توجه و عنایتی که در خلال برآوردهای بودجه ای به تعدیل نسبی

است (صحیح است) زیرا آنچه که انقلاب ایران را بعنوان معجزه قرن در منظر دیدگاه جهانیان متجلی ساخته و در شرایطی که از نظر زمان و مقتضیات و امکانات همه

معادلات متکی بضوابط و معیارهای دیگران را در هم ریخته و بر پایه سیاست مستقل ملی و معادلاتی کاملاً نوظهور

و استثنائی استکسور در مانده و گرفتار در گرداب عوارض هولناک جنگ جهانی دوم و اسیر در چنگال سیاستهای

استعماری و استعماری را به کشور پیشرو و در سر رسیدن به دروازه های تمدن بزرگ قرار داده است ثبات و امنیت

بی نظیری است که در سایه تدبیر و رهبری دایهانه فرمانده عالیقدر مملکت و آمادگی و قدرت دفاعی قوای مسلح

شاهنشاهی ایران نقطه عطفی در تحولات جهان پدید آورده است (صحیح است) گویانکه ملت ایران بسابقه ی صلح جوئی و بشردوستی که از خصائص ذاتی قوم

ایرانی است همواره در جهت حفظ استقلال ممالک مختلف در محدوده قانونی و شناخته شده آنها هم چنین

جلوگیری از تجاوز و تعدی بحرم آزادی های قانونی افراد بشر معتقدات پابرجا و استواری داشته و در تحکیم

موقعیت سازمان ملل متحد و حفظ نظم جهانی مجاهدت صمیمانه داشته و دارد. متأسفانه رویدادهای خلق الساعه

و نوسانات سیاست های گوناگون اغلب امنیت ممالک و گاه امنیت جهانی را دچار مخاطره مینماید به نحوی که

بدون داشتن قدرت دفاعی کافی هیچوجه امکان آسودگی خاطر متصور نیست و هر لحظه احتمال خطر و تجاوزات

برئی و نابرضی وجود دارد و تأسف در اینست که در چنین شرایط انگشت و جای پای سیاستهای استعماری بعنوان

وسج مختلف در رویدادهای جهانی بیخشم بیخورد و بهین مناسبت است که ارتش شاهنشاهی ایران مینبایست

بهدایت فرماندهی عالیقدرش در راه آمادگی دفاعی از موقعیت درخشان برخوردار باشد زیرا دشمن حمله گر که

در طول سالهایتمادی همه نقش های خود را نقش بر آب دیده و ایران امروز را در مسابقه سرعت پیشرفت و رشد

اقتصادی و صنعتی کشوری موفق و در سر سیر و روزی قطعی می بیند، سکار نشسته و سعی میکند با تلاش فراوان و از هرواهی

ملت که مالا در برگیرنده همه تشرهای جامعه ایران میباشد ملت ایران را در چنان موقعیتی قرار داده است که

راه آوردهای این دوران شکوهمند را در گوشه و کنار و در اقصی نقاط مملکت برای العین می بیند توبه باومر ایان

حیره خوار اجنبی با نفرت و انزجار باشغ دندان شکن میدهد در این میان نسل جوان ایران را که همبستگی غنی با

رویدادهای دوران سیاه و گذشته های قبل از انقلاب نداری آماج حملات مزورانه خود قرار داده است غافل از اینکه

جوانان میهن پرست و شاه دوست و دیگر هم میهنان ما این تلاش مذبحخانه را نیز با تنگ و شکست مفتضحانه در نقطه

خفه خواهند نمود و اجازه نخواهند داد، معدودی ایرانی نما که همبستگی آنان با اجنبی و خارج از محور این مرزوبوم

تردید ناپذیر است معجون نابخردانه ی بنکران خدا و دشمنان دین مقدس اسلام را وسیله انحراف فکری

جوانان ما قرار دهند (صحیح است).

عدم تمرکز - یکی از سیاستهایی که مینبایست بنابه اوامر شاهنشاه آریامهر مورد توجه دولت قرار داشته باشد

و از نظر سرعت در پیشرفت امور جاری مملکت و جلوگیری از تضییع وقت و ذوقاره کاربهای بی حاصل اساس اجرای

سیاستهای دیگر از جمله سیاست صرفه جوئی و ازین بردن ضایعات واقع گردد اجرای سیاست عدم تمرکز است

که علی القاعده مفهوم چنین سیاسی واگذاری اختیارات اجرائی بیشتر به مقامات مسئول استانتها است تا

مسائل و مشکلات نقاط مختلف مملکت که هر یک بعکس موقعیت خاص جغرافیائی و اقلیمی و مقتضیات محلی

و خصوصیات اجتماعی مردم هر منطقه که واجد شرایط متفاوت و امکانات و مقدرات گوناگون است با بهره گیری

از اختیارات حاصله بصورتی حل و فصل گردد که هم از هم آهنگی های کامل با سیاست های کلی مملکت برخوردار باشد و هم نکات و موارد و مسائل مخصوص هر محل با

شرایط و هدفهای سیاست اجرائی دولت کاملاً تطبیق داده شود - حال اگر باین هدف و نتیجه معتقد باشیم این سؤال مطرح است که در اجرای سیاست عدم تمرکز اولاً برنامه اساسی و

هدف کلی دولت در چه مرحله ای قرار دارد و با عنایت باینکه هر یک از دستگاههای اجرائی مملکت ضوابط و مقررات خاصی در محدوده وظایف و سیاستهای کلی دولت بعهده دارند واگذاری این اختیارات از سوی مقامات مسئول

مقیم مرکز به استانها بجه صورتی امکان پذیر است که در غایت امر وظایف دستگاههای اجرائی استانها و شهرستانها بطوری مشخص و حدود اختیارات آنها به نحوی روشن باشد که علاوه بر اینکه هیچگونه تعارضی را پیش

نیاید و این فرصت و امکان وجود داشته باشد که سازمان دهی اجرای این سیاست با سهولت و بدون اشکال و مانع قابل پیاده شدن در سطح استانها و شهرستانها باشد و بخصوص در مورد سازمانهایی که از طریق ادغام در یکدیگر شکل تازه‌ای پیدا میکنند شرایط همکاری و تطبیق مقررات و ضوابط مختلف دویا چند دستگاهی که با هم ادغام میشوند موجبات تسهیل امور جاری را فراهم نماید و از سوی دیگر سازمان جدید استانها که از حصول اختیارات و اجرای سیاست عدم تمرکز نشأت میگیرد بتواند اصل مهم و اساسی صرفه جویی را که از اهمیت نکات در سیاست اجرایی دولت است بمورد اجرا و عمل در آورد زیرا در شرایط کنونی هنوز تکلیف و نحوه اجرای سیاست عدم تمرکز دولت که مطمئناً مورد عنایت و توجه دولت جناب آقای دکتر آموزگار قرار دارد آنطور که لازمی نتیجه‌گیری از این هدف میباشد روشن نیست و طبیعی است مادامیکه این سیاست با توجه به همه جوانب امر مرحله اجرای آن نباید موضوع عدم تطبیق مقررات نا هم‌آهنگ و دست و پاگیری که مانع پیشرفت سریع اموریاری در برنامه‌های مملکتی و بخصوص مسئله ضایعات که مهمترین قسمت آن ضایعات وقت و اتلاف زمان‌های مغتمی است که هر لحظه آن میبایست در راه پیش برد هدفهای دوران رستخیز مورد بهره برداری قرار گیرد بصورت لاینحل باقی و خود نمائسی خواهد نمود

موضوع دیگر حصول رابطه منطقی هزینه‌ها با عملیات اجرایی پیش‌بینی شده در بودجه است که باز به مسئله مهم و محمل عدم تمرکز بستگی پیدا میکند زیرا در شرایطی که واگذاری اختیارات بیشتر بمقامات استانها لازمه‌اش وجود سازمان متناسب با وظایف واحدهای اجرایی استانها است ضرورت دارد این موضوع بصورتی مورد توجه قرار گیرد که اجرای اختیارات با واگذاری امکانات مالی مورد نیاز توأم باشد و این مهم در بودجه‌های استانی مورد عنایت قرار گرفته باشد بدین جهت که قدر مسلم اجرای سیاست عدم تمرکز باید به محدود کردن تشکیلات اداری مرکز و توسعه متناسب دستگاههای اجرایی استانها و شهرستانها منتهی شود زیرا اگر اختیاراتی به استانها داده شود و امکانات اجرایی و اعتبارات لازم همراه نمایانده نشود جز اینکه مقررات امور موجبات تأخیر بیشتر در انجام و ضروریتهای کار روزانه را فراهم و مسئولان اجرایی استانها را بفرار از قبول مسئولیت وادار نماید بازده و حاصل مصوبی نیست نخواهد آمد و بدین اعرف را بعدی منتهی بین هزینه و عملیات اجرایی

بودجه هنگامی فراهم میگردد که گذشته از مشخص بودن حدود وظایف دستگاههای اجرایی در مرکز و در استانها ضابطه و ارتباط قابل قبولی بین ابعاد برنامه‌ها و وظایف هم از جهت سازمانی و هم از لحاظ اعتباری وجود داشته باشد تا بتوان بارعبایت اصل صرفه‌جویی بهترین برداشت و حاصل کار را از سازمانهای اجرایی استانها انتظار داشت. (صحیح است)

مورد مهم دیگر اینست که بخاطر اتمام از فرصتها در اجرای برنامه‌ها و بخصوص برای روشن بودن تکلیف مسئولان اجرایی در سطح استانها ضرورت دارد ضوابط و خط مشی‌های بودجه بطور روشن و دقیق و در وقت مقرر از سوی کلیه وزارتخانه‌ها بمسئولان محلی ابلاغ گردد متأسفانه تا جائیکه سابقه امر حکایت دارد با اینکه بودجه اکثر نقاط مختلف مملکت در نیمه دوم سال بدفاتی بودجه و برنامه استانها تحویل و این دفاتر نیز بموقع وظایف مربوطه را انجام و بمرکز ارسال میدارند و با اینکه سالها است بودجه مملکت بموقع و قبل از پایان سال مورد بررسی و تصویب قرار میگیرد و معدنک اغلب ابلاغ امکانات بودجه‌ای سازمانهای مقیم استان و شهرستان در سه ماهه دوم سال بدست مسئولان میرسد که با توجه به تشریفاتیکه از جهت برنامه‌های عمرانی میبایست در سطح استان و شهرستان طی شود با همه کوششهاییکه در این زمینه بعمل می‌آید انجام تشریفات قانونی مورد بحث در آخرین مرحله اغلب به مرداد ماه یعنی گذشت نیمی از سال منتهی میشود که لازم به توضیح است در این مرحله نیز اگر احتیاج به تجدید مناقضه پیدا شود زمان دیگری را بزبان ماهه قبل اضافه مینماید به نحویکه با سپری شدن بهترین و مساعدترین ماههاییکه امکان اجرای پروژه‌های عمرانی وجود دارد و با از دست دادن بهترین موقعیتهاییکه امکان دارد هر پروژه با مشارکت پیمانکاران متعدد و کافی با شرایط مناسب بمورد اجرا گذارده شود با تضحاتیکه از نظر فرصت و زمان فراهم میگردد اغلب برنامه‌ها واضراراً و با حرج به پیمانکارانی سپرده میشود که احیاناً از نظر صلاحیت انجام کار در رده‌های دوم و سوم قرار دادند و همین امر موجب میگردد که این پیمانکاران نیز تا شروع مقدمات کار به نفع نامساعد هوا بخصوص در نقاط سردسری برخورد مینمایند که اکثر امکان اجرای قرارداد از دست میرود و لامحالہ یا منجر به لغو قرارداد یا ضبط سپرده پیمانکاران و یا برگشت اعتبارات میشود و باز سال بعد برای همان برنامه اعتبار بودجه‌ای مورد نظر قرار میگردد که این دور تسلسل ممکن است چندبار

ادامه پیدا نماید و این مطلب درست مخالف همان برنامه‌ها است که همه ما خواستار اجرای نحوه مطلوب آن برای سرعت در پیشرفت امور مملکتی هستیم که با این حساب وقت تلف شده و هزینه سازمانهای اجرایی و از همه مهمتر بدینی و بی‌اعتقادی مردمی که ناظر و شاهد چنین جریاناتی هستند از ضایعاتی است که واقعاً باید درباره آن تأمل گردد و از تکرار آن جلوگیری شود بهین مناسبت ضرورت دارد مراحل ابلاغ بودجه مصوبه استانها حداکثر در پایان فروردین ماه هر سال خاتمه پذیرد تا اقدامات اجرایی در فرصت مناسب و زمان بندی لازم انجام و از دوباره کاریهای مکرر و ضایعات گوناگونیکه بی‌ترتیبی‌های ناشی از اتلاف وقت بوجود می‌آورد ممانعت بعمل آید و فلسفه عدم تمرکز در جمیع جهات عملاً موجبات تسهیل در پیشرفت امور را فراهم نماید.

در قسمت گسترش صنایع بدیهی است آنچه در این مورد با الهام از افکار بلند و اندیشه تابناک رهبر عالیقدر مملکت انجام یافته و اقتصاد صنعتی را برای تأمین آینده‌ایکه درآمد نفت با تمام خواهد رسید پایه‌گذاری کرده است مانند همه ایده‌هاییکه در راه ترقی و تعالی و رفاه جامعه ایرانی مطرح شده است موجب غرور و افتخار هرایرانی است بخصوص از این جهت که موقعیت صنعتی کشور ما اجازه داده است مهندسین و کارشناسان و کارگران شریف ایرانی لیاقت و استعداد ذاتی خود را برای اداره نمودن پیچیده‌ترین تکنولوژی روز یعنی صنایع نفت و صنایع عظیم ذوب آهن و صنایع فولاد و مس روز بروز بهتر و بیشتر نشان بدهند و بدیهی است با ابتکارات انقلابی که در سهم کردن کارگران در سود و سهام کارخانجات صنعتی مقرر گردیده و خدماتیکه از جهت بیمه و خدمات درمانی و تهیه مسکن مورد توجه قرار گرفته این امیدواری وجود دارد که تولید صنایع ایران به همت مهندسین و کارگرانی که چرخهای فعاله این بنیادهای اقتصادی را بچرخ در آورده‌اند هر روز سریع‌تر و بهتر از گذشته بسوی تولید بیشتر کیفیت بهتر و سرفرازی و بالاتر گام بردارد تا جائیکه کالای ساخته شده وسیله نیروی صنعت و فکر و فعالیت کارگران ایرانی جای خود را در ژرف‌ترین بهترین کالای ساخته شده در بازارهای جهانی تثبیت نماید و بلا از نظر محل و موقعیت کارخانجات تصور میکنم مقامات مسئول دولت معتقد هستند که تراکم بیش از حد کارخانجات تولیدی در جوار شهرهای مسکونی اهم گرفتاریهای زندگی شهرنشینی را بوجود می‌آورد و بطوریکه مسئله هجوم جمعیت روستائی

به شهرها و شرایط بسیار نامساعد محیط زیست آلودگی شدید هوا - مشکلات غیر قابل حل تراکم کمبود مسکن بالا رفتن هزینه زندگی که مآلاً ایجاد تورم و دهها مشکل و معضل دیگر نتیجه فشرده‌گی و تأسیس این کارخانجات در محدوده پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ صنعتی است که لامحالہ دهها گرفتاریهای جنبی دیگر نیز بدنبال آن خود نمائی میکنند که هدایت کارخانجات صنعتی به نقاط مختلف مملکت بخصوص در سطح بخشها و دهستانها و حتی روستاهای مستعد گذشته از اینکه مشکلات زندگی شهرهای صنعتی بیش از این موجب گرفتاری مردم و دولت نخواهد گردید تأسیس کارخانجات در بخشها و دهستانها بهترین وسیله عمران و آبادی سریع همه نقاط مملکت و جذب نیروی کار در قطب‌های متعدد و گسترده کاریگری و از میان زمین آتسفر فشار بر تهران و دیگر شهرهایی است که کارخانجات در اطراف آنها احداث گردیده با این تأکید که از نظر صاحبان صنایع نیز برخورداری از امکانات بهتر در تأسیس و سرمایه‌گذاری و با هزینه کمتر تولید زمینه‌های مساعدی است که میتواند تسهیلات گوناگون و بازده مکنفی و قابل قبولی برای صاحبان صنایع بوجود آورد که این امر در بهبود کیفیت کالاها مؤثر خواهد افتاد از طرفی آنچه تجربه نشان داده است تأسیس کارخانجات صنعتی در جنب شهرها گذشته از اینکه موجبات پیشرفت و رفاه بیشتر ساکنان شهرها را فراهم نموده است خواه ناخواه اثرات توری و ناراحتیهای غیر قابل جلوگیری آن دامنگیر زندگی مردم شهرها خواهد گردید که آنوقت دولت ناچار است قسمتی از نیرو و فعالیت خود را به رفع گرفتاریهای مختلف از دست بدهد بدون اینکه نتیجه مثبتی از این تلاشها در جهت بهبود زندگی بدست آمده باشد.

در مورد سیاست باززرگانی لازم به تأکید است که از جهت حفظ سرمایه‌های ارزی مملکت و ایجاد تعادل عرضه و تقاضا در قبال کالاهای ضروری و مورد نیاز عموم جلوگیری از تورم و افزایش بی تناسب قیمت‌ها اجرای سیاست کاهش ضایعات - وظایف بسیار مهمی بعهدہ وزارت باززرگانی محول است ولی با اینکه رجل خوشنام و محیط با موز باززرگانی در رأس این وزارتخانه قرار دارد ضرورتاً باید آوری بشوم که سیاستهای باززرگانی این وزارتخانه آنطور که باید و شاید منطبق با روش صحیحی که مؤثر در رفع مشکلات و تنگناهای طبیعی یا تصنعی باشد قرار نداشته است زیرا دولت نباید فقط قانع باشد که در بودجه سال ۲۵۳۷ (۶۱ میلیارد ریال برای پرداخت مابه‌التفاوت

مواد غذایی و نالاهای مورد نیاز عمومی سوبسید پرداخت میکند در حالیکه کنترل و نظارت دقیقی در مصرف این قبیل اجناس از وظایف وزارت بازرگانی است که بنده برای نمونه از مهمترین مواد مصرفی روزانه یعنی نان مثال میآورم که خرید گندم داخله با نسی دوازده هزارریال و گندم خارج از کشور شاید بیش از این قیمت و فروش به نانو در هفت هزار و پانصد ریال برای چیست اگر منظور آنست که نرخ نان در حد معقول ثابت بماند و اثر تورمی در بالا بردن سایر اجناس بجای نگذارد آیا نرخ نان همان نرخ است که فقط روی ناغذا از آن ذریعہ بیان آمده است - آیا تصمیم در جلوگیری از ورود میوه های خارجی بمنظور تقویت موقعیت باغداران کشور که مورد تأیید همه نمایندگان محترم است فقط باید این نتیجه را بدهد که عده ای واسطه حاصل دستنرخ باغداران را بطور سلف معامله کنند و در این روزها برتغال را کیلویی صد و بیست ریال نارنگی را کیلویی هفتصد ریال بفروشند آیا با توجه به دو نمونه ای که باستحضار رسید اگر سیاست بازرگانی از راه صحیح و اصولی مورد اجرا گذارده شود چرا اختلاف قیمت سیمان تولیدی داخل کشور برای مصرف کننده تا هالی برابر قیمت اصلی میرسد و اگر جلوگیری از ضایعات پایه مهم سیاست بازرگانی است چرا سیمان وارداتی از بنادر جنوبی ایران به دورترین نقاط شمال حمل و در مقابل سیمان تولید داخلی خراسان و آذربایجان به جنوب کشور فرستاده میشود و در این میان هیچوجه توجهی به پرداخت هزینه و خساراتی که از این بابت متوجه خزانه مملکت میگردد بعمل نمی آید - این چند نوع سیاست بازرگانی است که با اعلام ممنوعیت ورود آهن یکم در آهن کیلویی سی و سه ریال به کیلویی نود ریال چشم پیدا میکند - ما اگر بعلت موجودی زیاد آهن در نارخانجات تولیدی یا در بازار چین سیاسی اتخاذ شد که زبانی متوجه مصالح آهن کشور نگردد منظور بجا فروش آهن و عرضه بیابان مصرف بعد از تصمیم ممنوعیت مورد توجه قرار نگرفت و فقط از این راه میلیونها ملیون تر شدند تا جائیکه نرخ سیمان توران بالا توجه دولت را معطوف این مسئله و مشکل مهم اقتصادی نمود و ورود آهن آزاد اعلام گردید همین ترتیب هیچ شیشه درست مانند رزمینه سازیهای آهن بود که شیشه متری یکصد ریال به متری یکهزار و دویست ریال در بازار سیاه منتهی گردید - اینها از مواردی است که در اذهان مردم ایجاد شک و شبهه میکند و گفته میشود که شرکت معاملات خارجی بنا بحال نتوانسته است اجرای یک سیاست منطقی و حساب شده را در عرضه و تقاضا مورد توجه قرار دهد یک وقت میلیونها

تن گندم را بدون مطالعه و داشتن محل نگهداری و بدون در نظر گرفتن ظرفیت تخلیه بنادر و کشتش جاده های ایران سفارش میدهد و در نتیجه صدها کشتی حمل کالاهای ایران بیش از شش ماه در بنادر متوقف میشود و هر کشتی روزانه سیزده هزار دلار بابت سوز شازو دریافت میکنند و این بابت میلیونها دلار بخزانه مملکت ضرر میزند در حالیکه همان گندم را با ضایعات فراوان و با دو برابر بهاء خرید گندم داخلی بمصرف میرسانند و ارزش مملکت را بهر میدهند و وقت دیگر چنان خود را بخواب میزنند که سیمان صد ریال به هفتصد الی هشتصد ریال و آهن سی و سه ریال به نود ریال و شیشه صد ریال به یک هزار و دویست ریال و نارنگی شصت ریال به هفتصد ریال بالغ میگردد در حالیکه اگر کمبود احتیاجات و نالاهای مصرفی با رعایت همه جوانب و با اولویتهای لازم پیش بینی و تأمین گردد چنان مضیقه های ناخوش آیندی مانند مضیقه تخم مرغ و میوه و سیمان و شیشه و آهن بوجود نخواهد آمد زیرا آنجا که ضرورتاً تأمین کمبود مواد مصرفی روزانه و یا کالاهای دیگر اجتناب ناپذیر است اگر با برنامه صحیح و بموقع و در حد احتیاج وارد گردد ایجاد بازار سیاه نمیکند و مخصوصاً ضررهای جنبی آن که یکمقدار اثر سوء تبلیغی و روانی در اذهان و افکار عمومی بجای میگذارد محل خود نمائی پیدا نخواهد کرد بلکه وظیفه و منطبق صحیح بازرگانی حکم میکند در قبال چنین مسائل خطیر که با زندگی و رفاه عمومی سروکار دارد بی تفاوت نمانیم و در عوض اینکه نسل امروز و جامعه خود را با یکمقدار کالای غیر ضروری بظاهر لوکس که بتجمل کشورهای دیگر است عادت دهیم کوشش کنیم سرمایه ارزی این مملکت را بطریقی که گره گشای مشکلات و رافع نیازمندیهای واقعی و در مسیر تقویت بنیه اقتصادی کشور باشد مورد استفاده قرار دهیم

موضوع دیگری که ذکر آن در کلیات بودجه ضروری بنظر میرسد خط مشی کلی افزایش اعتبارات در قالب اولویتهایی است که در پیشرفت امور بنیادی کشور باید مورد توجه نمایندگان محترم مات ایران نیز قرار داشته تا حد امکان قدمهای مفیدی برداشته شده و برای اولین بار برای دو امر مهم و اساسی عمران روستاهای ایران اعتبارات راه روستائی و برق روستائی در ردیفهای بودجه مبالغی اختصاص داده شده است که صرف نظر از نحوه تقسیم اعتبارات و نیازهای فوق العاده یک دولتین ذو زمینه هست و ضابطه صحیح و عادلانه تقسیم این اعتبارات و افزایش آینده آن را انتظار داریم از این بابت واقعاً جای تشکر و امتنان است که دولت جناب آقای

آموزگار امر مهم و حیاتی و بهبود موقعیت روستاهای ایران را مورد توجه خاص قرار داده اند که این امر در سالم نمودن اقتصاد کشاورزی نقش اساسی خواهد داشت (صحیح است)

مسئله مهم و اساسی دیگری که در این بودجه بچشم میخورد توجه لازم بموقعیت دو بازاری اقتصاد مملکت یعنی صنعت و کشاورزی است که بحق شایسته بوده است پیشرفت و رشد مطلوب این دو قطب که سلامت اقتصاد آینده مملکت بموازنه هر دو آنها بستگی دارد بیش از پیش مورد عنایت قرار گرفته باشد زیرا در هر برنامه ریزی اصولی و صحیح این نکته اساسی جلب توجه می نماید که هر اندازه رشد تولیدات صنعتی افزایش چشمگیر داشته باشد و از آن طریق ارز وارداتی بخزانه مملکت سرازیر گردد اگر رشد تولیدات کشاورزی متناسب با احتیاجات و در حد خود کفائی نسبی نباشد و از جهت تحرك در زمینه کشاورزی اقدامات اساسی صورت نگیرد هر روز که بگذرد رشد جمعیت و مصرف اضافه تزییقات ناراحت کننده ای برای مملکت فراهم خواهد شد که حتی وجود پول و سرمایه و هرگونه امکانات مالی نیز به آسانی نمیتواند همه مشکلات جنبی آنرا مرتفع نماید و در این مورد است که باید توجه داشته باشیم در جهان قرن بیست تحولات بی سابقه ای تکوین یافته است سیاستهای توسعه طلبی و استعماری بگونه های مختلف قالب و رنگ عوض کرده و اشکال تازه ای بخود گرفته است که گاه بشکل بلوک و دسته بندی گاه بصورت ایجاد جنگهای منطقه ای و گاه مسابقه توسعه تسلیحاتی - در اغلب جوامع شرق و غرب خود نمائی میکند ولی جالب این است که نقش تولیدات کشاورزی و دامی و در دست داشتن مواد غذایی مصرفی که ادامه حیات انسانها بدان بستگی دارد بتوبه خود نقش بسیار حساس و قابل ملاحظه ایست که هیچ ملت مال اندیش و آینده نگر نمیتواند از این مسئله حیاتی فارغ باشد زیرا بدون تردید آینده سیاسی جهان و حفظ موقعیت کشور ها بمیزان امکاناتیکه در تأمین مواد غذایی دارند بستگی دارد و بهر حال تولیداتی که با ادامه حیات انسانها ارتباط داشته باشد مانند قدرتهای نظامی - تسلیحاتی و مالی نقش دقیقی در موقعیت ملتها خواهد داشت - با چنین زمینه ای که توجه بمسائل تولیدات کشاورزی و دامی آنهم در کشوری که بعلت وضع خاص جغرافیایی و شرایط اقلیمی امکانات معدودی در تولیدات کشاورزی دارد تا چه اندازه از اهمیت و اولویت برخوردار است و تا چه اندازه سیاست برنامه گسترش این رکن مهم زندگی مورد توجه مقامات مسئول قرار داشته باشد باین برداشت که

سیاست تحولات پانزده ساله دوران انقلاب بادقت مورد اعتنان نظر واقع بینانه قرار گیرد و بایک حساب روشن قبول کنیم که ۲۲ درصد از نیروی فعال جمعیت روستائی به جاذبه های صنعت و خدمات و ساختمانی جذب گردیده و اگر حد متوسط هر خانوار کشاورز را ه نفر حساب کنیم نفر فعال و کارکن که قدرت بدنی کافی داشته است از روستا به شهر آمده و افراد مقیم روستای هر خانواده زن و مردی مسن و افرادی در سنین پائین هستند که این نو جوانان نیز تا رسیدن به بازار کار فاصله های متفاوتی دارند منتها بعلت اجرای قانون اصلاحات ارضی و تقسیم زمین بین کشاورزان بعضی از خانواده های روستائی اقامت درده را فقط بخاطر حفظ زمینی که نصیب آنها گردیده ادامه میدهند با این حساب که فعالیت تولید کشاورزی فقط در حدود قدرت همان افراد مسن مقیم روستا مورد بهره گیری قرار میگیرد حال آنکه اگر اعتقاد داریم که مسئله کمبود قدرت کارگری را ماشین آلات کشاورزی جبران مینماید آیا امکان بهره گیری از تکنولوژی جدید کشاورزی در این روستاها بوجود آمده است آیا ابزار و ادوات کشاورزی مناسب در اختیار روستاها قرار دارد - آیا آموزش کاربرد این ماشین آلات فراهم آمده است آیا برنامه ای در پیش روی خود داریم که لااقل عده ای از جوانان روستائی را بمنظور کار در مزارع تحت آموزش عملی قرار داده باشد زیرا بهر حال همین روستاهائیکه در طول قرون و اعصار پایگاه حفظ قومیت و ملیت ایران در پهنه گسترده این مملکت بوده است در عصری که دوران منحوس فتودالیسم ارضی پایان یافته و کشاورز آزاد از ثمره دستنرخ خود مستقیماً منتفع و مؤثر در تحکیم اقتصاد مملکت است ضرورتاً میبایست در عمران و آبادی آن کوشا بود و متناسب و همگام با پیشرفتهای دیگر دوران انقلاب مورد توجه قرار داشته باشد که بمناسبت مسئولیت خطیر وزارت کشاورزی تذکراً باید گفت - توجه به منطقه ای کردن کشاورزی بعلت شرایط مختلف جغرافیائی و اقلیمی کشور - بررسی میزان احتیاجات مواد مصرفی - تضمین خرید محصولات کشاورزی سیاست نرخ گذاری - بیمه محصولات کشاورزی - سیستم خرید محصولات برای جلوگیری از معاملات سلف - تقسیم امکانات و اعتبارات کشاورزی به نسبت موقعیتهای تولید - گسترش شرکت های تعاونی در سطح قابل قبولی که اکثریت روستاهای هر منطقه را زیر پوشش قرار دهد - بالا بردن سطح کارائی این شرکتها بمنظور کمکهای بموقع و مؤثر به کشاورزان فارغ از هرگونه اقدامی که مغایر آزادی

آموزش و پرورش

عمل قانونی شرکتیهای موزیر باشد - فراهم آوردن موجبات آموزش و آشنائی روستائیان با اصول صحیح کشاورزی - تغییر در برنامه درسی مدارس روستائی و منظور داشتن دروس عملی کشاورزی در جهت تربیت جوانان روستائی برای اشتغال در مزارع و روستاها - فراهم نمودن موجبات علاقه و همبستگی بیشتر کشاورزان با مالکیتی که انقلاب ایران به زحماتشان روستائی اعطاء نموده است ایجاد مرکز اطلاعات و بازاریابی به نحویکه عرضه محصولات بصورت مبادله در اکثر نقاط مملکت امکان پذیر گردد تجدیدنظر در مقررات نگاهداری مراتع که با وضع فعلی دامداری سنتی ایران بمرحله نابودی نزدیک شده است تربیت کمک دامپزشک برای اقامت در مرکز دهستان و فراهم نمودن وسائل کار بمنظور مراقبت در جهت حفظ دامهای باقیمانده توجه به گسترش فعالیت صندوق عمران و مراتع برای کمک به مرغداران بصورتیکه امکان بهره گیری از کمک صندوق بطور یکسان و در حدود وسعت کارائی مرغداران امکان پذیر باشد - واز همه مهمتر اعزام مهندسين کشاورزی به سطح بخشها و دهستانها و روستاها و تعیین ضابطه های بمنظور تشویق مهندسين در اعمال مدیریت صحیح منطقه مأموریت در جهت ازدیاد تولید به نحویکه مهندسين کشاورزی از پشت میز نشینی بکارهای عملی کشاورزی مشغول شوند. مصرف صحیح و بهره گیری کامل از اعتباراتی که بمنظور تأمین خدمات رفاهی روستائی در نظر گرفته شده از هموارزی است که چهره روستاها را بصورت واحدهای فعال و مؤثر در افزایش تولید تغییر خواهد داد. امیدوارم مورد توجه دولت قرار گیرد. در جمعیت چهار میلیاردی دنیا میلیونها نفر از گرسنگی میمیرند و موضوع کشاورزی مهمترین موضوع روز همه کشورهاست آیا فکر کرده ایم وقتی جمعیت در آخرین قرن به ۷ میلیارد یا بیشتر میرسد وضع مملکت ما از نظر کشاورزی چه خواهد بود؟ آیا نباید سازمان وزارت کشاورزی را از اطافهای در بسته و ناخ زیبای آن به شهرها و بخشها و روستاها بریریم و نیروی کارآمد و مطلع با اصول کشاورزی علمی و مکانیزه را با کار عملی مهندسين در مزارع جان تازه به بخشیم و ام خطیر تولیدات کشاورزی را فقط بعهده معدود روستائیان غاری از تکبک و ناآشنا به کار برد ماشین آلات کشاورزی نگذاریم.

افزایش تولید یک جهان ملی است و در این رهگذر از همه امکانات و وسایل میبایست حداکثر استفاده شود.

دگرگونی بنیادی در تعلیمات روستائی از اهم موارد دیگری است که آینده کشاورزی مملکت به اعمال روش مطلوبی در این زمینه نیازمند است - زیراتسافانه گذشته از خیل کثیر جوانان شهری که در مسیر حرفه های کارآمد و فعال و مفید اندوخته های علمی و عملی کسب نموده اند حتی جوانان روستائی ما نیز عشق پشت میز نشینی را به کار کردن در مزارع و کشت زارها ترجیح میدهند و این همان سیاست مخرب و خانمان براندازی است که نیروی فعاله مملکت را بجای بهره دادن و اشتغال در امور تولیدی و صنعتی و کشاورزی که قوام اقتصاد و خوشبختی و رفاه جامعه ما بدان بستگی دارد بصورت کانونهای تحریک پذیر درآورده است بدیهی است توسعه مراحل تحصیلات دانشگاهی در سطح همه استانها از نیازهای جامعه متحول ایران است که بدون تردید میبایست برای استعدادهای نهفته و سرشار از نبوغ راه یابی بمدارج عالی تحصیلی هرچه بیشتر امکان پذیر باشد - کوناه سخن آنکه مرحله سواد آموزی نوباوگان - تغییر برنامه درسی مدارس روستائی و تبدیل آن به آموزش علمی و عملی کشاورزی و دامداری هم چنین توسعه کمی و کیفی هرچه بیشتر مدارس حرفه ای و در غایت امر گسترش دانشگاهها و مدارس عالی در نقاط مختلف مملکت در مسیر یکه اصول پرورش نوباوگان ما بر پایه معتقدات ملی و میهنی و عقاید مستحکم مبانی مذهبی و احساس مسئولیت و دارو کوشش و برهیزاز یکبارگی و هوسرانی استوار باشد از اهم وظایف دستگاه عظیم وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی است که امیدوارم چنین اهدافی سرلوحه برنامه دولت جناب آقای آموزگار قرار داشته باشد.

مسئله مهم و قابل توجه زمین و مسکن و سیاستهای نامتعادلی که گذشته از تأثیر در روند اقتصادی و کشاورزی مملکت بزرگترین مشکل را در ایجاد تورم و بالا رفتن هزینه زندگی برای مردم و دولت فراهم نموده و با چنان سرعتی بمرز نابسامانی قدم گذارد که همه فعالیتهای مختلف کشور را تحت تأثیر قرار داده بود یا فرمان تاریخی رهبر عالیقدر شاهنشاه آریامهر مانند تمام زمینه های دیگر سیاست دولت را در اتخاذ روش مناسب و مطلوب مشخص و وارد مرحله جدیدی نموده که امیدوارم در مقام اجرا هدف مورد نظر به نفع قاطبه ملت ایران تحقق پذیرد در این مورد چند مطلب قابل تذکر و یادآوری است که یکی در تقسیم اعتبارات استانی نیاز هر استان در چنین برنامه مؤثر و اساسی مورد توجه باشد و

برخلاف تقسیم اعتبارات سال ۲۵۳۵ که در قبال سهمیه دهمیلیارد ریالی سهمیه لرستان فقط ۸۰ هزار تومان برآورد شده بود با متعادل نمودن اعتبارات استانی امکان رفع تنگناهای موجود فراهم گردد موضوع دوم جلب توجه دولت بخصوص جناب وزیر کشور و جنابان استناداران به محدوده های شهرهاست که در سالها قبل آگاهانه با ناخودآگاه بصورت مضیبه های تصنعی زمین بوجود آمده است زیرا اگر محدوده شهرها در مسیر تبعیت از برنامه های خاص زمین داران بزرگ واقع شده باشد و یا تهیه نقشه جامع شهرها بدون توجه بمقتضیات محلی و بهداشت غیر مستقیم صاحبان اراضی بزرگ صورت گرفته باشد بازهم نقش تأمین رفاه قاطبه مردم شهر در قبال اعمال سیاست زمین داران نقشی بی اثر خواهد بود که اجرای سیاست اصلی و هدف دولت را به نتیجه مطلوب نخواهد رسانید.

مثلا در مرکز حوزه انتخابیه اینجناب محدوده وهم چنین نقشه جامع و هادی شهر در مسیر تأمین منافع زمین داران بزرگ - مورد نظر قرار گرفته در مورد مالیاتها و درآمدهای غیرنفتی باظهار خوشوقتی از توجه و فعالیت که در این زمینه بعمل آمده و رقم ۸۵۴ میلیارد ریال ۳۶ درصد درآمدهای غیرنفتی را بالغ گردیده اهمیت ویژه و مسئله بسیار حساس و اصول مالیتهای مستقیم و غیرمستقیم را یادآوری مینمایم زیرا اجرای یک سیاست صحیح و اصولی مالیاتی هم میتواند در پیشبرد هدیه های انقلاب و تعدیل ثروت و اجرای عدالت اقتصادی بمفهوم واقعی اثرات مثبت و چشمگیر داشته باشد و هم یک سیاست نامتعادل مالیاتی میتواند عامل مؤثر در ایجاد ناهم آهنگی های اقتصادی و نتیجتاً عدم رضایت و فشار اقتصادی بر طبقات کم درآمد باشد بهمین جهت منطق عدالت حکم میکند که سیاست مالیاتی دولت حتی الامکان از وصولیهای غیرمستقیم وصولیهای مستقیم سوق داده شود مشروط بر اینکه وصول مالیتهای مستقیم یا ضابطه و اصول قابل قبولی مورد توجه قرار گرفته باشد تا بتوان با تشخیص صحیح و پیدا کردن راه حل های منطقی و اصولی در کاهش میزان مالیات مستقیم طبقات کم درآمد عدالت مالیاتی به نحو بهتری تحقق پذیرد. (صحیح است)

متأسفانه سیستم تشخیص و وصول مالیتهای مستقیم طوریکه که مؤدیان و ادار متبگردند از پرداخت مالیات قانونی طفره بیرونند و این برداشت بدین سبب است که تصور میروود در تشخیص مالیاتها زمینه عدالت نسبت

همه افراد یکسان اجرا میشود و به تعبیر روشن تر موجبات مطمئن نیست نه بر نفس درآمد بیشتری دارد مالیات بیشتری بدهد و این کشمکش بین مؤدیان و دستگاههای وصول برودت از بین برود زیرا وقتی مردم می بینند مشمولان واقعی مالیاتهای سنگین مانند معاملات زمین و مسکن و بیمانکاریها و با طبقاتیکه قادر هستند بپایه مشاورین مالیاتی دفاتر خود را برای قبول در کمیسیونهای تشخیص مالیاتی آراسته و ساخته و پرداخته نموده و از شمول مقررات قانونی مالیاتها شانه خالی کنند و فقط طبقات بی دست و پا و ناوارد به ریزه تارهای مالیاتی در تار و بود عنبکوتی مقررات و ضوابط قابل تعبیر گرفتار میشوند حس بدبینی و ناباوری در اجرای عدالت مالیاتی روز بروز بیشتر میشود و نأسف در اینست که اصولاً سیاست مالیاتی بر پایه حسن رابطه و اعتماد نسبت با افراد جامعه مستقر نگردیده و برعکس روحیه عدم اعتماد نسبت بمؤدیان مالیاتی بردستگاههای وصول حکومت میکند که بعقیده بنده این نحوه تفکر شایسته دوران رستاخیز و همستگی ملی نمیتواند باشد بلکه ضرورت دارد بعضی اعمال زوش نامتجانس تعیین سهمیه مالیاتی حوزههای وصول نه یقیناً مأموران مالیاتی نیز ناچار خواهند بود سهمیه وصول مالیاتی حوزه خود را بفر کیفیت و بهتر تربیت تأمین کنند و در چنین شرایط مسلماً گوش شنوایی برای شنیدن منطق و استدلال وجود ندارد و ضوابط قانونی جای خود را به آراء و نظرات فردی مشمولان وصول میدهد که فقط بفکر استفاده از پیاداش و افسانه کار و فوق العاده به نسبت وصولها پرداخت میشود میباشند به نحویکه نتیجه این داورها اگر نفع ظاهری و مادی برای بزرگ کردن رقم سهمیه مالیاتی داشته باشد از لحاظ روابط اجتماعی با دستگاههای اجرایی یکی از مضربترین راههایی است که بروحیه عدلی و همستگی و حسن رابطه مردم با مسؤلان اجرایی لطمه شدید وارد مینماید که تصور نمیکند هیچ مصاحتی بالاتر و مهم تر از جلوگیری از ایجاد عقدهها و بدبینیها و کوشش در راه تقویت اصول همکاری و تشریک مساعی جامعه ایران وجود داشته باشد زیرا در شرایطی که طی یک دوران کوتاه عدهای از طریق معاملات سرسام آور زمین و مسکن و بیمانکاریها و اعتبارات بانکها در دردیف میلیاردها قرار گرفته و از ناحیه آن درآمدهای بادآورده مالیات حقه دولت بحیطه وصول در نیامده اعمال همه مقررات و ضوابط در محور تار مؤدیان دیگر منطقی بنظر نمیرسد بلکه مصلحت ایست که کوشش شود مالیات مستقیم از مشمولان واقعی

و به نسبت درآمدهائی که اشخاص حقیقی و حقوقی کسب مینمایند دریافت گردد.

بهداری و بهزیستی - مسئله درمان و بهداشت از اهم مسائل حیاتی جامعه امروز ایران است که خوشبختانه رقمی معادل ۱۰۱ میلیارد ریال با افزایش ۳۰ درصد برای درمان و ۱۶۲ میلیارد با افزایش ۸۸ درصد برای پوشش بیمه‌ای و بیمه‌های درمانی و غیره پیش بینی شده که امیدوارم در راه گسترش بیمه‌های درمانی قدسهای اساسی تری برداشته شود ولی مشکل مهم درمان اختلاف فاحش تمرکز تعداد قابل ملاحظه‌ای طبیب در مرکز مملکت و خالی بودن روستاها و بخشها و شهرها از وجود اطبا ایرانی است که از ۱۴۲۰ پزشک قریب نیمی از آن در تهران و نیم دیگر بین سی میلیون جمعیت ایران تقسیم شده که باز در داخل تقسیمات استانی نیز تعادل تعداد پزشک به نسبت جمعیت مناطق وجود ندارد همچنین است تعداد تخمیناتی بیمارستانی که گذشته از کمبودهای وسیع در سطح شهرها ضرورت توجه به ایجاد امکانات درمانی روستاها در درجه اول اهمیت قرار دارد و در این میان مشکل اساسی دیگری در عدم بهره‌گیری کامل از امکانات موجود درمانی تعدد دستگاههای مسئول با امکانات متفاوت و روش‌سازمانهای گوناگون است که بازده این فعالیتها را به حداقل کاهش میدهد زیرا پراکندگی در مدیریت و تصمیم‌گیری و اختلاف هزینه‌های درمانی در مواردیکه ضابطه‌ای انجام هزینه بایکدیگر مغایرت دارد ناهم‌آهنگی‌هایی را بوجود میآورد که نتیجه کلی آن لوث مسئولیت در درمان و تشتت در اعمال سیاستهای خاص درمانی است معذالک اگر لازم باشد که دستگاههای مختلف کماکان وجداگانه این وظایف را انجام دهند لاقول تلفیق سیاستها و شرایط و امکانات و ایجاد هم‌آهنگی در زمینه درمان میتواند به بهبود نسبی امور مربوطه درمان کمک مؤثر بنماید.

پرورش نوباوگان و نوآموزان و نوجوانان مملکت که نیروی کارساز آینده کشور محسوب میگردد از اهم مسائلی است که از دیدگاه سلامت روحی و اخلاقی و تندرستی جسمی نسلی که گردش چرخهای اقتصادی و صنعتی و کشاورزی و دیگر نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه ما را بعهده خواهد گرفت بزرگترین آرمان فکری هر ایرانی نیک اندیش است زیرا ناهم‌آهنگیهای فکری و اخلاقی قابل تأملی که مرادوات گذشته بین المللی نوجوانان و جوانان مملکت ما را در معرض تأثیر پذیری از اینهمه سوغاتهای ناخوانده قرار میدهد و روزی نیست که اثرات

نمونه‌های فکری این آمیزش بصورت‌های گوناگون در جوامع و ملیت‌های مختلف قابل لمس نباشد توجه به پرورش فکری و جسمی جوانان که نیرو و سرمایه‌های انسانی مملکت میباشند پیش از پیش جلب توجه مینماید تا جائیکه وسعت و عظمت این رسالت ایجاب میکند دقیق‌ترین برنامه ریزیها و سرمایه‌گذاریها با نظرات کامل و شناخت واقعی نیازها مورد امان نظر و تصمیم‌گیری واقع گردد زیرا مراحل پرورشی نوباوگان و نوجوانان و جوانان و احتیاجاتی که هر گروه سنی از آنها دارا میباشند غریب بنوبه خود از اهمیت خاصی برخوردار است خوشبختانه بهمت دست‌اندرکاران علاتمند تعدادی از دانشمندان پرورش فکری کودکان و نوجوانان در تهران و بعضی از شهرهای کشور بوجود آمده است که با امکانات محدود اثرات ارزنده و مفیدی را ارائه داده و با تهیه کتاب و مقالات و فیلم‌های آموزنده و مطالعه شده در پرورش فکری کودکان از سنین دبستانی تا ه سالگی کوشش و مجاهداتی بعمل می‌آید در حالیکه از سنین ۱۵ سالگی به بعد که درست موقعیت بحرانی سنین نوجوانان آغاز میشود دنباله فعالیت تربیتی این کانونها بدست فراموشی سپرده میشود و دستگاه مسئول دیگری برای پیگیری این فعالیتها وجود ندارد مضافاً اینکه محدودیت تعداد کانونهای پرورش فکری تنها قسمتی از تهران و چند شهر از شهرهای مملکت را زیر پوشش قراردادده و گسترش این مؤسسه مفید در سطح کشور به امکانات وسیعی نیازمند است بهمین جهت بسیار باخواهد بود با توجه اقدامات این سازمان که برای اولین بار سرچشمه روان و مناسب با چه سنی اطفال را از فرمایشات گهربار پیشوایان دین مقدس اسلام و ائمه اطهار و اعتمادی تذهیب اخلاق و استحکام بنیاد فکری و تقویت روح ملی و معتقدات و مبانی مذهبی اطفال قراردادده است در سطح امکانات چنین کانونهای مفید عنایت لازم میبذول برود و در مرحله دیگر هدایت فکری نوجوانان ۱۵ ساله به بالا را نیز در کانونهای مشابهی که الزاماً میبایست با نهایت دقت و مراقبت و مطالعه انجام پذیرد مورد توجه و اقدام قرار دهد - خوشبختانه با مدیریت شایسته و متزهی نه اخیراً در کاخهای جوانان تهران بوجود آمده این امید به نحو بارزی افزایش یافته که این قبیل مؤسسات نه حفاً میبایست محیط مناسب و هدایت شونده‌ای در راه تقویت روح ایمان و روش خدمتگذاری جوانان به‌سطح دست باشد.

در مسیر رسالت واقعی خود گامهای مؤثر و قابل ملاحظه‌ای بردارد و با بهره‌گیری از امکانات و سرگرمیهای مفید و سالم

و مفرح به نیروی فکری و جسمی و اخلاقی جوانان کمک لازم بنماید و برخلاف گذشته که یادآوری نام این کاخها مترادف با سابقه ذهنی خوبی در اذهان و افکار عمومی نبوده است اصالت باسته محیط فضیلت اخلاقی و معنویت را در دل جوانان عزیز وطن ما بیدار و تقویت نماید و با چنان کیفیت مفیدگسترش کمی آنها در سطح مملکت مورد توجه قرار گیرد.

عنایات خاص رهبر عالیقدر مملکت به سلامت و پرورش نیروی جسمی ملت ایران و بخصوص گسترش عملی کلیه رده‌های ورزشی که همواره مورد تأکید ذات همایونش بوده موجب گردید که برای پایه‌گذاری بنیان اساسی ورزش مملکت تشکیلات نوین این سازمان تحت ریاست عالی و الاحضرت همایون ولایتعهد عظمی قرار گیرد و در ارکان ادازه‌کننده این جایگاه مردمی و شوق و شور و سرافرازی تمهیدات نوظهوری بمورد اجرا و عمل گذارده شود (صحیح است) تردیدی نیست که این آرزوی همه ملت ایران است که توسعه امروز ورزش بمرحله‌ای از رشد و تکامل برسد که گذشته از تضمین سلامت افراد جامعه ایرانی با بیای دیگر افتخارات که در شئون مختلف نصیب ملت ایران گردیده شهرت دل‌آوریها و پیشرفتهای ورزشی مردم این مرز و بوم در ردیف موفقیت‌های دیگر دوران آریامهری در دل تاریخ ایران به ثبت برسد خوشبختانه چنین آمادگی در روح ورزش دوست ایرانی و بخصوص نسل جوان آن خودنمایی میکند که قطعاً با تهیه امکانات لازم در همه سطوح آموزشی از مدارس ابتدائی تا دبیرستانها و دانشگاهها و توجه به استعدادهای ذاتی جوانان در دل روستاها و دهستانها و بخشها و شهرها امید موفقیت‌های ارزنده‌ای در اغلب زمینه‌های ورزشی پدیدار خواهد شد نکته‌ای که ضرورت دارد مورد تذکره قرار گرفته و توجه مقامات مسئول را جلب نماید مسئله استانی کردن سازمان ورزش و پیاختگونی همه نیازمندیها در سطح استان است که اگر از جهت تأمین اعتبارات لازم در مقیاسی که حداقل احتیاجات منطقه با رعایت تناسب جمعیت و عقب‌ماندگیهای گذشته امکاناتی در بین نباشد از وجود سازمان ورزش استان و شرکت همه دست‌اندرکاران موظف و غیرموظف در بحث و گفتگو هیچ نتیجه مطلوبی حاصل نمیکردد زیرا امکان عملی توسعه امر ورزش مستلزم داشتن وسائل کار از قبیل زمین‌های مختلف ورزشی سالنهای سرپوشیده استادیومها و وسائل و ابزار و از همه مهمتر مربیان رشته‌های ورزشی

است که اگر فراهم نمودن قطعات زمین در اختیار مسئولان استانها باشد تأسیسات ورزشی به اعتباراتی نیازمند است که در این مورد توجه دولت جناب آقای آموزگار را به بازده چنین سرمایه‌گذاریهای آینده‌سازی که بحقیقت جدال واقعی با اهریمن فساد و اعتیادهای گوناگون و مبارزه با ضعف فکری و جسمی جامعه متحولی است که نمی‌تواند از جمعیت آنرا سنین زیر ۱۴ سال تشکیل می‌دهد جلب نماید که امیدوارم این اولویت قابل ملاحظه مورد توجه مخصوص قرار داشته باشد.

اجازه بفرمائید چند مورد نیز از مسائل مربوط بحوزه انتخابیه‌ام که متأسفانه در این بودجه مورد توجه قرار نگرفته است بطور اختصار توضیحاتی باستحضار برسانم موضوع اول مربوط به راه و ارتباط ۱۵۰ کیلومتری حدفاصل خرم‌آباد و کرمانشاه است که در دوران وزارت سه وزیر مرتباً گفته میشود فاز اول باتمام رسیده فاز دوم بوسیله مهندسین مشاور ایرنکو در دست مطالعه است - عرض بنده اینست که مگر عمر و وقت چقدر باید به گفتن و نوشتن عبت مصرف شود و بالاخره در قبال وقت‌گرا نیهای مملکت و پول خزانه ایران تا کی باید بانتظار بی‌توجهی یک شرکت خارجی و نام آزار دهنده مهندسین مشاور که حاصل کارشان بهیچوجه برای ما معلوم نیست روزشماری کرد بنده خیلی ممنون میشوم اگر وزارت محترم راه اعلام کند مدت زمان اجرائی هر فاز مطالعاتی اسفالت یک راه شنی ۱۵۰ کیلومتری چند سال است تا لاقط خیال مردم از این بابت راحت شود که پس از سه سال تا چند سال دیگر تصدیع مقامات وزارت راه را فراهم ننمایند واقعاً بنده متأسفم که یک کار اساسی و مهم مملکتی یعنی شاهراهی که در شرایط غیر قابل تحمل ترافیک سنگین راه سراسری بمنزله سوناب خطری برای جلوگیری از انفجار و گریز از تلفات و خسارات عمومی تلقی میگردد و واقعاً در برطرف کردن خطر تصادفات و خسارات سرسام‌آور فصلی بیش از حد مؤثر میباشد و گذشته از کوتاه نمودن ۱۶۰ کیلومتر حد فاصل دو استان لرستان و کرمانشاه غرب کشور را با کوتاه‌ترین طریق به راه سراسری متصل و قسمت مهمی از ترافیک سنگین را در این مسیر جذب مینماید چگونه با این بی‌تفاوتی مهندسین ایرنکو سالها است مورد بهره برداری و دکانداری مهندسین مزبور قرار میگیرد و مسئولان محترم وزارت راه نمیخواهند یا نمیتوانند از این گروه مهندسین مشاور انگلیسی یا انجام کار و یا لغو قرارداد فحاشین را استوار گردانند زیرا واقعاً قابل تحمل نیست که یک کار کوچک اسفالت پس از

سه سال سرگردانی تازه معلوم شود هنوز در مراحل اولیه نیز توفیقی حاصل نگردیده و از بحث سه ساله در لایحه بودجه باز هم فاز اول به‌فاز دوم تبدیل نشده و مهندسین عزیز در دانه ایرنکو کماکان در خواب خرگوشی قرار دارند موضوع دیگر اعتبارات منطقه ایست که متأسفانه در تقسیم این اعتبارات رعایت عدالت و موقعیت استانهای مختلف نگردیده است و بخصوص اعتبار احداث راههای روستائی و تأمین برق روستائی و اعتبارات مسکن جهت احداث خانه‌های سازمانی و ارزان قیمت و خانه‌های کارگری در حد تأمین احتیاجات نسبی مورد عنایت قرار نگرفته است که امیدوارم این تقاضا مورد بررسی و توجه واقع و با پاسخی قانع کننده همراه باشد.

موضوع سوم مسئله تأسیس دانشگاه لرستان است که همکاران محترم استحضار دارند سه سال است در موقعیت بررسی لایحه بودجه با تکرار مطلب مزاحمت فراهم کرده‌ام خوشبختانه اوامز مطاع ملوکانه و علیاحضرت شهبانویافتخار مردم لرستان شرفصدور یافته و وزارت علوم آموزش عالی با تصویب شورای گسترش دانشگاهها افتتاح چند دانشکده را در خلال سال ۳۷/۳۶ بعنوان مقدمه تأسیس دانشگاه لرستان رسماً اعلام نمود و از طرف دانشگاه جندی شاپور آقای دکتر تسلیمی بعنوان مسئول این مهم قریب یکسال است بخرم‌آباد آمده و فهرست اعتبار مورد نیاز را نیز به سازمان برنامه تسلیم نموده است متأسفانه در ارقام اعتباری دانشگاهانام لرستان برده نشده و از جهت اعتبار فقط ۱۵ میلیون ریال در بطن اعتبارات دانشگاه جندی شاپور آنهم در نیمه دوم سال ۳۷/۳۶ منظور گردیده و معلوم نیست این آرزوی دیرینه مردم لرستان و تعیین تکلیف اعتبارات ساختمانی دانشگاه لرستان که زمین و دیگر مقدمات آن آماده گردیده چه وقت بمرحله اجرا و عمل در خواهد آمد.

مورد دیگر موضوع تصویب نامه صادره هیئت وزیران بود که اجرای پروژه فاضلاب شهر خرم‌آباد را تأیید و رسماً اعلام نمودند ولی بنده بهر مقامی مراجعه کردم که اعتبار این تصویب نامه کجا است وجه دستگاهی مسئول اجرای آنست جوائی که تکلیف را معین کند نشنیدم - قسمت آخر عرایضم چند مورد تذکر است که بطور اختصار بعرض میرسانم در هر حال با معذرت از طول کلام و تشکر از بذل عنایت همکاران گرامی که بعرایضم توجه فرمودند امیدوارم باز هم مورد نظر این بودجه که حق در همه زمینه‌های پیشرفت و رشد و رفاه خوب تنظیم شده

و اعتباراتی پیش‌بینی گردیده است در مراحل اجرائی با آنچه‌ان دقت و کنترل و نظارت بمصرف برسد که ملت ایران بپذیرد که اجرای اصل مهم انقلاب اداری نیز مورد توجه و وجه همت دولت قرار داشته است. (احسن - احسن)

۳- تقدیم دولایحه: (۱) اصلاح بودجه سال ۳۷/۳۶ پیشنهادی تربیت بدنی ایران « (۲) : اصلاح بودجه سال ۳۷/۳۶ (تربیت بدنی - نگهداری مجموعه ورزشی آرپامهر) توسط آقای غلامعلی توسلی معاون وزارت آموزش و پرورش .

رئیس - آقای توسلی بفرمائید.

غلامعلی توسلی - (معاون وزارت آموزش و پرورش) - با اجازه مقام ریاست و نمایندگان محترم دوقره اصلاح بودجه است که برای رسیدگی و تصویب تقدیم میکنم.

رئیس - اصلاح بودجه هابه کمیسیون بودجه ارجاع میشود.

۴- تقدیم بودجه سال ۳۷/۳۶ مجلس شورای ملی توسط آقای جعفر منصوریان کارپرداز.

رئیس - آقای منصوریان بفرمائید.

منصوریان (کارپرداز مجلس شورای ملی) - با اجازه مقام ریاست و نمایندگان محترم بودجه سال ۳۷/۳۶ مجلس شورای ملی برای تصویب تقدیم میشود و به عرض همکاران ارجمند میرسانم تفاوتی که این بودجه با بودجه‌سالیهای قبل دارد اینست که این بودجه طبق وظایفی که به کارپردازی مجلس شورای ملی داده شده برای کارکنان رسمی مجلس شورای ملی جدولی تعیین شده که اصل حقوق کارکنان مجلس شورای ملی ترمیم بشود و همچنین مقرراتی است که هر موقع حقوق شاغلین تغییر پیدا کند و ترمیم بشود حقوق بازنشستگان و وظیفه بگیران مجلس شورای ملی هم به همان نسبت ترمیم خواهند شد عرض دیگری ندارم.

رئیس - بودجه مجلس شورای ملی برای رسیدگی به کمیسیون محاسبات ارجاع میشود.

رئیس - آقای دانشی بفرمائید.

دانشی - بسم الله الرحمن الرحيم رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و أحلل عقدة من لسانی یفقه قولی .
خدا یا سینه‌ام را گشاده، کارم را آسان، عقده را از زانم بگشاید تا سخنم را بشنوند و فهم کنند (احسن).
جوشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست سخن شناس نشی جان من خطا اینجاست در انحراف من خسته دل ندانم کیست که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

از آن به‌دیر مغانم عزیز میدارند که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست (احسن)

بودجه سال ۳۷/۳۶ شاهنشاهی مطرح است این بودجه چهار هزار و یکصد و هفتاد و نه میلیارد ریالی است عددش مبارک و عنوانش میمون و مقدمش خیر، اجازه بفرمائید عدد و رقم و برنامه و این مسائل را کنار بگذارم و بحث کلیات لایحه را بپایان کنم تا عرایضی و مطالبی تقدیم ساحت مقدس مجلس شورای ملی یا به اعتبار دیگر تقدیم ملت عزیز و نجیب ایران کنم (احسن) رقم هرچه بزرگتر، برنامه هرچه زیادتر، جلا و صفای آن هرچه بیشتر بر پایه یک مطلب و یک موضوع استوار است آنچه که این رقم‌ها را صورت عمل میدهد، آنچه این برنامه‌ها را به وقوع می‌پیوندد، آنچه را که کمک میکند برای پیاده کردن صحیح و درست برنامه در مصرف صحیح و درست رقم، یک مطلب است یک کلمه است اما یک دنیا معنا دارد و یک عالم دقت و تحمل در این معنا لازم است دولت فعلی وقتی که برنامه کارش را به مجلس اعلام کرد روی سه کلمه تکیه کرد. صداقت، صراحت، فضیلت، در صداقت و صراحت نمایندگان محترم بیاناتی فرمودند و از دولت خواستند که چگونه صریح و صدیق باشد قضاوت در باره این صراحت و صداقت با ملت ایران است که بعد از مدتی کارنامه دولت جناب جمشید آموزگار را امضاء میکند و بعنوان پایان نامه کار و فعالیت به دست دولت جناب آموزگار میدهند این قضاوت ملت ایران است اما در این قضاوت و در این دقت یک مطلب دیگری هم وجود دارد و آن فضیلت است فضیلت هم در دولت وهم در ملت، فضیلت باید در دولت باشد تا صداقت و صراحت را پی‌آورد داشته باشد فضیلت در ملت باید باشد تا معاونت و معاضدت و همکاری و همگامی برای پیشرفت و ترقی و تعالی در پی داشته باشد فضیلت برای طبقه خاصی نیست در انحصار طبقه معین و معلومی نیست بلکه خاصیت یک جامعه زنده و متحول خواهان پیشرفت فضیلت و تقوی است ابتدای سخنم و ابتدای عرایضم میمون و مبارک بود و من آن را به فال نیک گرفتم و آن بودجه مجلس بود که در این بودجه با یک اشاره به یک فضیلت هم تکیه شده بود و آن اعتنا و توجه به طبقه‌ایکه در مرکز قانون‌گذاری ایران کار می‌کنند و زحمت می‌کشند من این بودجه را به فال نیک گرفتم و برای خودم به اصطلاح به فال نیک زدم. فضیلت چیست؟

تصور می‌گردد ملت باید داشته باشد فضیلتی که
 می‌گردد دولت داشته باشد چیست؟ ماده آسانی
 است؟ آسان آمده؟ از دنیا آمده؟ از بر رویان آمده؟
 می‌است؟ اجازه فرمائید یک مقدمه‌ای را به اصطلاح
 اخلاقی عرض کنم علم اخلاق در فلسفه اسلامی جایگاه
 رفیع دارد یکی از علوم اسلامی علم اخلاق است
 این علوم در کتاب علم اخلاق خودش برای آنکه بشر
 را از نظر فضیلت و تقوی تجزیه و تحلیل کند تا به اصطلاح
 امروز... (آقای عباس میرزائی تست تا این کلمه را عرض
 کند؟) عرض می‌کنم که بشر را آنالیزه کنند آمدیم
 بشر را از نظر قوای روحی و نوای مادی اینطور تقسیم
 کرده می‌گویند در انسان چند قوه و نیرو یا میل وجود
 دارد یک قوه، قوه شهویه انسان است، تمایلات باهمه
 وسعت و گسترش که دارد، یک قوه هم قوه عقليه انسانی
 است یک قوه، قوه غضب انسانی است و یک
 قوه هم قوه وهم انسان است و هم و خیال بردازی ها،
 موهومات، تمایلات، غضب، تجاوز، تعدی شهوت،
 میل به مال، ثروت انواع مقام‌ها و اصطلاح علمای اخلاق
 در برابر این سه قوه، قوه عقليه انسان است مبارزه‌ای
 میان عقل و این سه قوه وجود دارد اگر چنانچه این قوا
 بر انسان مستولی شد و قوه عقل و منطق و تفکر صحیح
 انسانی را مغلوب کرد بشر یک موجود خطای، خطرناک،
 هوسباز، متعدی و متجاوز می‌شود که برای بدست آوردن
 و تحقق بخشیدن به تمایلات خودش به هر جنایتی دست
 می‌زند و محملهایی هم برای این اعمال خودش پیدا
 می‌کند دیدید آقایان هنوز هم دارند جنگ دوم جهانی را
 نشان میدهند یک انسانی از نظر روان‌شناسی تحت تأثیر
 قوه میل تجاوز و برتری طلبی خودش قرار گرفت و دنیایی
 را به جنگ کشاند، میلیونها انسان را در کوره‌های آتش
 سوزاند انسانها را از بین برد یک انسان در آن شرایط این
 طور خطرناک میشود و به این صورت در می‌آید اگر
 چنانچه عقل انسان مغلوب این سه قوه شد انسان
 خطرناک نشود عقل باید بر وجود آدمی حکومت بکند
 تا انسانی متعادل بوجود بیاید پس احتیاج به مدد دارد
 و آن عقل کلی جهان به مدد عقل فردی می‌آید و به قول
 مولانا:

عقل اول را نهد بر عقل دوم
 ماهی از سرگنده گردد نری ز دم
 رشد ماهی از سراسر است، عقل ثانوی ما که در وجود ما هست
 باید الهام بگیرد از عقل اولی، اول منبع کمالات و
 فضایل است پس بشر اگر چنانچه قوه عقله اش غالب

گشت از فضیلت برخوردار می‌شود! فضیلت در انسان
 کنترل و تقوی بوجود می‌آورد (صحیح است) انسان را
 محدود میکند که کاری خلاف عقل و منطق و برخلاف
 اجتماع و خواست منطقی اجتماع انجام ندهد پس فضیلت
 باید در وجود انسانها تقویت شود. تقویت فضیلت هم در
 وجود انسانها بر سه علم و روحانیون و علمای اخلاق و
 علمای دین و مذهب است. (صحیح است) جامعه‌ای که
 با فضیلت هست آن جامعه گرانفروشی نخواهد بود،
 جامعه‌ای که با فضیلت هست جامعه متجاوز به حق
 دیگران نخواهد بود جامعه‌ای که با فضیلت و با تقوی است
 جامعه‌ای نیست که فقط خودش را ببیند و تمایلات شخصی
 خودش و اقل تمایلات فردی خویش را، جامعه‌ای
 خواهد بود که به قول سعدی،
 بنی آدم اعضای یک پیکرند
 که در آفرینش ز یک گسهرند
 جو عضوی به دزد آورد روزگار. دیگر اعضا را نماند قرار
 هم کتاب آسانی، هم آیین مقدس ما هم متفکرین ما
 چنین جامعه‌ای را برای ملت ایران خواسته اند و میخواهند
 و تلاش میکنند تا چنین جامعه‌ای به وجود بیاید ولی یک
 جامعه کامل، به هم پیوسته و بهم بسته و غمخوار و
 شریک و هم درد هم ولی متأسفانه همیشه عواملی هستند
 که نمی‌خواهند این فضیلت و تقوی نه تنها در جامعه‌ما
 بلکه در جوامع دیگر هم رشد و گسترش پیدا کنند به
 همین جهت مردمی را به جان مردمی دیگر می‌اندازند،
 ملت‌هایی را به جنگ ملت‌های دیگر وامیدارند، وقتی که
 خوب از نظر اخلاقی و علمی و خدایی تحقیق میکنیم
 می‌بینیم ماهیت قضیه دراصل چیزی نیست اما بقول
 معروف یک چیزی اینجا پنهان است یک امری وجود دارد
 که معلوم نیست مادونتر چرا به سرویکر هم می‌زنیم چرا
 دولت به جان هم افتادند؟ چرا دو جمعیت به روی هم
 کارد کشیدند؟ یک چیزی اینجا هست و آن یک نیروی
 شیطانی است که خودش را میخواهد و منافع خویش را
 در گرفتاری دیگران میدانند خوشبختی خودش را در فلاکت
 و بدبختی واضح‌الجلال دیگران میخواهد. انسانهای عاقل و
 منطقی به این شخص سوم اجازه نمی‌دهند، میدان به
 لین نیرو نمی‌دهند، تا زندگی او را بر نهد. ملتی که با
 فضیلت شد یعنی ملتی که حق خودش را بشناسد و حق
 دیگران را هم رعایت بکند. دولت میگوید من به دنبال
 این فضیلت و تقوی در ملت هستم (صحیح است) (آفرین)
 بلك میگوید: من خواستار فضیلت و تقوی هستم. همه

مل هم می‌گویم فضیلت خیلی خوب است، همه ما می‌گویم
 وقتی ملت ترقی و پیشرفت میکند که فضیلت داشته باشد
 اما یک چیزی اینجا لنگ است و آن اینست که یک‌حسی
 در ما بوجود آمده، عرض کردم من میخواهم خارج از
 ارقام و خارج از برنامه‌ای که دولت همراه با بودجه‌اش
 داده یک نکته را عرض کنم، تا وظیفه‌ام را انجام داده
 باشم. از دوست ارجمند و عزیزم جناب حیدری هم که
 این امکان را برای من بوجود آوردند و نوبتشان را به من
 بدل کردند بی‌نهایت متشکرو ممنون هستم (عباس
 میرزائی - ما هم از ایشان ممنون هستیم که وقتشان را
 به شما دادند). مطلب اینست که ما افتاده‌ایم به جان
 همدیگر یا با زبان به جان هم افتاده‌ایم، یا با دست، از
 گذشته‌مان جدا شدیم، چیز نویی هم به عنوان یک‌سند
 یا یک اخلاق یا یک روش زندگی نگرفتیم (صحیح است) ما ز قرن
 سیزده هجری یا، میلادی در مملکت ما تحولی بوجود آمد،
 به فکر افتادیم که در جازدن معنا ندارد، باید همگام با غرب
 ما هم ترقی و پیشرفت کنیم. غرب هم یک گذشته‌ای
 داشت گذشته غرب، دین بود و مذهب. متفکرینش و
 روشنفکرانش به جنگ مذهب رو آوردند و روحانیت
 غرب را حمله‌ور شدند و گفتند که روحانیت با ترقی وفق
 پیدا نمی‌کند. همین مطلب کشیده شد به مملکت ما و
 ممالک خاور میانه. به جنگ دین و مذهب رفتیم. اینها را
 از بین میخواستند ببرد ولی چه چیزی جایگزینش کنند؟
 چیزی نداشتند جایگزین آن کنند. به همین جهت
 نویسندگان و روشنفکران و اندیشمندان به فکر این افتادند
 که قچی بدست بگیرند و خرافات را جدا کنند (صحیح
 است - احسنت) موهوماتی که به عنوان دین و مذهب
 به خورد جامعه دادند، اینها را به کنار بگذارند و آن دین
 واقعی را آنچه که لیغبر اسلام آورده است به جامعه ارائه دهند
 (صحیح است). ملت ایران هم پذیرفت حاکم بروح ما آئین
 مقدس اسلام است حاکم بر قوانین ما آئین مقدس اسلام است. این
 در خون ما هست، با ملیت ما عجین بوده و هست، جدا شدنی هم
 نیست (صحیح است) همچنانکه جناب پزشکپور دیروز
 بدین نکته اشاره کردند. اما یک نکته است و آن اینکه
 دین نباید ملعبه باشد (صحیح است) یکی از دانشمندان
 میگوید: این بهترین حربه‌ایست که علیه دین بکار برده
 میشود (احسنت). در زیر لوای دین و به نام دین همیشه
 شمیر به قامت دین می‌زنند. همیشه به جنگ و مبارزه با دین
 برخاسته‌اند ما آنچه را که میخواهیم و داریم دین پاک خالی از
 موهومات و خرافات است این در خون ما بوده و هست.

در نظام شاهنشاهی ما بوده و هست و خواهد بود
 (صحیح است، احسنت) شاهنشاهان ایران و ملت ایران
 همیشه حامی آیین مقدس اسلام بوده‌اند و هستند
 (صحیح است). اسلام به ایران آمد، ایرانی در عین حال
 که ملت خود، سنتها و خصائص ملی خود را حفظ
 کرد اسلام را هم با تیزهوشی و زیرکی و درایتی که
 داشته و دارد پذیرفت تاریخ علوم انسانی را که مطالعه
 می‌کنیم، می‌بینیم دانشمندان ایران بوده‌اند که تمدن
 اسلامی را بنیاد نهادند و علوم انسانی را گسترش دادند،
 حتی برای زبان عرب دانشمندان ایرانی دستور و قواعد
 نوشتند (صحیح است) این مفتح، سیبویه و امثال اینها
 ایرانی بودند که برای زبان عرب قاعده و دستور نوشتند.
 پس ایرانی زبیرك، روشن‌آگاه، واقف هست اسلام‌آگاه
 هم جلا و صفا و روشنی و دستوراتی که حیات بخش است
 پذیرفته، ایرانی با پذیرفتن اسلام برای استقلال خودش هم
 تلاش کرد من این جا اعلام می‌کنم بر یکبار برای
 استقلال ایران کوشش کرده‌اند و وقتی که عباسیان
 خراسان را زیر سلطه داشتند با دقت و زیرکی و هوشیاری
 برای حفظ سرزمین‌های ایران تلاش کردند و جان خود را
 هم بر این تلاش نهادند پس حفظ ملیت، حفظ دین در
 نظام شاهنشاهی ایران بوده و هست و خواهد بود (صحیح
 است) زیرا ایرانی میدانند در ادوار مختلف زندگیش یک فرمانده
 داشته و دارد در زیر آندیشه و فکر و رهبری یک فرمانده
 و رهبر هست و به حیات ملی خودش پرداخته و ادامه میدهد
 (صحیح است) ایرانی از یک فرمانده دستور می‌گیرد و
 افکار او را اجرا می‌کند اگر شاه اسماعیل صفوی توانست
 ایران را نجات بدهد برای این بود که ملت ایران و مردم
 ایران از یک فرمانده دستور بگیرند و دستور فرمانده را
 عمل میکردند و پیاده می‌کردند، شاه در ایران فرمانده و
 رهبر است (صحیح است) شاه در ایران مبین و بیان کننده
 راه و نشان دهنده طریق گام برداشتن ملت ایران است و
 زیر لوای این فلسفه ایران از ابعاد قرون تا امروز مانده
 و خواهد ماند (صحیح است) بنابراین شاه در ایران یک
 وجود مقدس بکره‌ریز، یک وجودی است که ملت چشم
 امید به او دوخته و از او اطاعت می‌کنند آن هم شاه
 دموکراتی است (صحیح است) شاهی که آزادی در خون
 و وجودش هست (آفرین) این است اتحاد و این است
 اتفاق که عرض کردم برای مردم بی‌فضیلت خوشایند
 نیست این اتفاق نظر برای آنانی که نمی‌خواهند و
 نمی‌توانند ببینند ایران چه راهی را پیش رفته، چه راهی

را بیموده است از کجا بوده و به کجا رسیده نمی خواهد بینند خاری در چشم آن هاست و ملت ایران که پیوسته ناگسستی با شاهنشاه دارد آگاه و بیدار است (صحیح است) ملت ایران به شاهنشاهی معتقد و بیای بند است آن هم عرض کردم شاهنشاهی که آزاد مثنی، آزادی خواه، دموکرات، متدین، بشردوست، معتقد به میانی دینی و معتقد به اصول مسلم آئین مقدس اسلام است (احسن است) اجازه بدهید من گوشه ای از بیانات شاهنشاه آریامهر را در مجلسی که خودم حضور داشتم در این جا قرائت کنم یازدهم آذرماه ۲۰۰۱ شاهنشاهی بیانات شاهنشاه در شرفیابی روحانیون آبادان: «آقایان علما و روحانیون هادی و راهنمای مردم هستند و بدیهی است هر اندازه که راهنمایی آقایان صحیح صورت گیرد به همان نسبت بر رشد فکری و تقویت اخلاقی و روحانی مردم افزوده خواهد شد. اصولاً دین و مذهب امری است باطنی، تعلیمات روحانی آقایان باید بطوری باشد که مردم مسلمان این کشور بیشتر بدین حنیف اسلام متوجه بشوند و از شرایع دین و اوامر پیغمبر اکرم پیروی نمایند ملت ایران ظرف چند سال اخیر مراحل سخت پیمود و خوشوقتم که با پیروی از اصول دینی به مشکلات فائق شده است و مهم تر این که عقایدی که موجب روشن فکری و روشن بینی مردم ایران است همواره سرچشمه اش از دین مبین اسلام است امیدوارم ملت ایران با عقیده و ایمان ثابت به مشکلاتی که در پیش داریم فائق آید و مطمئنم که خداوند بزرگ همواره پشت و پناه مردم ایران خواهد بود با اتکاء به خداوند متعال آتیه بسیار درخشانی برای مردم خوزستان و ملت ایران پیش بینی می کنم» این بیانات شاهنشاه است در سال ۱۳۳۹ که علمای آبادان در خرمشهر شرفیاب بودند پس شاه ایسران پادشاهی است مستدین و معتقد و پای بند به اصول دینی و مذهبی، اعتقادی که شاهنشاه آریامهر به آستان مقدس ثامن الائمه علیه السلام دارد که هر ساله و هر موقعی که ایجاب کند برای زیارت مرقد مطهر حضرت رضا علیه السلام می رود، اعتقادی که شاهنشاه به اصول و مبانی دینی دارند مبین اعتقاد راسخ معظم له می باشد (صحیح است) اخیراً شنیدیم و دیدیم فرمان مبارک را که درباره دانشگاه اسلامی مشهد صادر فرمودند. دانشگاه اسلامی که در سطوح مختلف علوم دینی کرسی تدریس خواهد داشت و همانک بار و زمان با زبان های زنده دنیا دانشجویانی که در این دانشگاه هستند آشنا میشوند و به گسترش علم و دانش اسلامی در اقصی نقاط عالم

خواهند پرداخت. پس مفتضحانه است، خنده آور است، غیر منطقی است که عده ای فریب خورده تحت عنوان دین و مذهب با انقلاب ایران به مبارزه برخیزند، مجلس ایران، ملت ایران، روحانیت مقدس ایران به مبارزه با کسانی که ماسک دین به صورت زده اند برمی خیزد (صحیح است) با الهام از نیات دینی و مذهبی شاهنشاه آریامهر ایران مرکز تجلی و اقییت اسلام بدینا خواهد شد. اگر هزار سال پیش دانشگاه الازهر بوجود آمد و شیعه و اسلام را ایرانیان گسترش دادند، علوم و معارف اسلامی را توسعه دادند اکنون دانشگاه اسلامی مشهد مرکز تجمع دانشمندان و اندیشمندان دینی و مذهبی اسلامی خواهد بود بی دینان رونق دین را نمی خواهند (صحیح است) آن هائی که دین را ملعبه کرده اند نمی خواهند واقییت دین بر ملا شود و حقیقت دین آشکار شود. این سخن از حسین بزرگ (ع) است (الناس عبیدالدینا والدین لعق علی السنتهم مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبان آنهاست دین واقعی و دین حقیقی اگر کسی داشته باشد مال مردم را غارت می کند؟ هرگز. (آفرین) به ثروت ملی ملتی لطمه میزند؟ خیر. (احسن است) اموال عمومی ملتی را به یغما میبرد؟ من از معاون آموزشی دانشگاه تهران شنیدم که گفت ما شیشه های دانشکده ها را اسال نینداختیم کار بسیار خوبی کردید، آخر جوان! تو که میخواهی یک روزی مدعی بشوی که این مملکت را بسوی ترقی و پیشرفت رهبری کنی چرا شیشه دانشکده را می شکنی سلف سروس ویس دانشگاه را خراب میکنی و از بین میبری و آنوقت میگوئی که من متدین هستم، میگوئی دین دارم، نه تو مار کسبست هستی! تواز اسلام بهره ای نبرده ای، مار کسبسم و اسلام با هم تباین کلی ندارند اصلاً قابل سازش نیستند نقش شماها را هم شناخته ایم ملت ایران درک کرده که تورا علم میکنند، برادر عزیزم! تورا علم میکنند، برای اینکه تو دانشمند نشوی! برای اینکه تو تحصیل نکنی! برای اینکه تو فن و حرفه درست یاد نگیری و مملکت بازاری باشد برای مهندسین خارجی و برای کارشناسان خارجی، ما بیدار شده ایم، ۵۰ سال است که بیدار شده ایم، از گذشته هایمان آمار دانشگاه های ایران را با امروز مقایسه کنید ببینید چقدر تفاوت کرده دیروز این جا مطرح شد که در زمان انقلاب چقدر پول نفت بدست آمده و آنچه مصرف میسرند. به صرف ساختن دانشگاه و هنرستان میسرند، به صرف ساختن مدرسه میسرند، در گوشه و کنار شهرها همه مدعی هستند که باید دانشگاه بوجود بیاید خرم آبادی که ارتباطش با مرکز ایران قطع بود الان نماینده اش میگوید

من دانشگاه میخواهم (چند نفر از نمایندگان - تأسیس شد) خرمشهری که با مرکز ارتباط نداشت الان شاخه جنوبی دانشگاه جنبی شاپور دارد، بابل دانشگاه دارد درشت دانشگاه دارد، دانشگاه علم و صنعت داریم، دانشگاه ملی داریم، دانشگاه بهلولی داریم، جهرم دانشکده دارد، راه درست کرده ایم، نیروی نظامی ما بر منطقه حکومت میکند. کارخانه ذوب آهن در آبادان و لاهواز و اصفهان داریم. کارخانه لوله سازی در جنوب بوجود آورده ایم، شرکت گاز بوجود آورده ایم، شرق و غرب ایران را لوله های عظیم در نور دیده ایم و گازی را بخارج صادر کردیم که سالیان سال میسوخت و خارجی لندن را با آن گاز لوله کشی گاز کرد پول نفت را زیر بنای ایران قرار دادیم و یک قسمتش را هم دادیم بملت خورد و نیرو گرفت انرژی پیدا کرد ملتی که باید کار کند باید مواد غذایی به بدنش برسد با شکم گرسنه و سگ بسته که نمیشود بشت چرخ های عظیم کارخانه ایستاد (آفرین) ملت زیبا شد لباس خوب پوشید و سائل رفاهی در اختیار گرفت شبکه تلویزیونی بوجود آورد و شهرها را با شبکه تلویزیونی پوشاندیم برقله های کوه ها پایه های عظیم انتقال تصویر و صدا زدیم و ایران را بهم پیوستیم به برکت انقلاب به برکت رهبری شاهنشاه (صحیح است) به برکت رهبری و فرماندهی و فکر بلند و اندیشه بلند شاهنشاه ایرانی آباد بوجود آوردیم روستا زاده ای که سعدی بعنوان تعجب میگوید بشهرمی آید درس خواندن بخارج رفت فرزندان کارگران ایرانی فرزندان کشاورزان ایرانی در دانشگاه های بزرگ اروپا و آمریکا به تحصیل پرداخت ملت ایران آگاه باشید اینها را میخواهند از ما بگیرند این مواهب را میخواهند از ما بگیرند (چند نفر از نمایندگان - موفق نمی شوند) این سعادت را میخواهند از ما بگیرند برای این است که بلوا راه میاندازند (یک نفر از نمایندگان - عرض خود میبرند) واقعا عرض خود میبرند و زحمت ما میدارند تا من بیچاره اینجا عرق بریزم (عباس میرزائی - هیچوقت بیچاره نیستید) وظیفه است، راه بوجود آوردیم و روستا را بشهر پیوستیم به راه آهن خودمان پرداختیم بنادرمان پررفت و آمدترین بنادر دنیا شد بر ثروت ملی مان حاکم شدیم چون نفتمان را در اختیار گرفتیم همان نفتی که متروهای لندن را با آن ساختند همان نفتی که کاخ ها را با آن ساختند همان نفتی که دنیای خودشان را با آن ساختند و ما زیر یوغ استعمار بودیم آنوقت یک مرد یک رهبر ما را نجات داد و حاکمیت مطلق ما را بر ثروت ملی مان تأسیس کرد و ایران را ساخت آقایان من نماینده شهری هستم (چند

نفر از نمایندگان - شما نماینده ایران هستید) نماینده شهری هستم که آثار استعمار را دیده ام و می شناسم میدانم استعمار چه بفرقه ای بوجود آورد اگر به شهر آبادان بیاید دنیوت، جدائی و تفرقه و تمایزخانه و تمایز کوجه ها و خیابان ها را با چشم خودتان می بینید با پول خودمان بر ایمان جنگ بوجود آوردند با پول و ثروت خودمان ما را بجنگ هم انداختند البته در آن زمان اما ایرانی بیدار شد و حرکت کرد و مکمل این حرکت اعضای دولت جناب آقای آموزگار این است که همراه با پیشرفت ظاهر پیشرفت روحی و معنوی و فضیلت هم بوجود بیاید دولتی که میگوئی من ندای فضیلت میزنم بفکر آموزش و پرورش باش (صحیح است) بفکر این باش که تقوی و فضیلت، حس ملی و میهنی و دفاع از آب و خاک را در نیا و باوگان این مات بوجود بیآوری (احسن است) پرورش را هم تکیه کن آقای توفلی وزیر تان وزیر زحمت کشی است وزیر دانشمندی است تلاش کرده و میخواهد بمشکلات مالی معلم و دبیر و آموزگار خاتمه بدهد ولی بمشکلات آموزشی هم باید توجه کرد و رفع کرد تا این جوان ایرانی با فضیلت باشد با تقوی باشد متدین به معنی واقعی باشد عالم و دانشمند هم باشد یک مهندس متدین و با فضیلت در کارش تقلب نمیکند ساختمانی نمی سازد که زود از بین برود یک معلم متدین وظیفه اش را انجام میدهد در سال گذشته بود که گفتم بیاید از روحانیون جوان در آموزش و پرورش برای تعلیمات دینی و تعلیمات معنوی و روحی استفاده کنید هستند جوانان با فضیلت روحانی که همه عشق به وطن دارند همه روحانیون ایران علاقمند به کشور و وطن و شاهنشاه آریامهر هستند هر موقع اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر به مسافرت میروند بدرقه راهشان دعای روحانیون معمم است که ریش های سفید را در دست میگیرند و از درگاه خداوند سلامت شاهنشاه را می خواهند بعلت اینکه می دانند اگر کمونیزم به این مملکت مسلط بشود (عباس میرزائی - در مقابل آنها از وطنمان با جنگ دندان دفاع میکنیم) اولین هدف و مقصودش روحانیت است اولین هدفش از بین بردن فضیلت است (آفرین) من نرفته ام بدنیا های دیگر (غضنفری - آدم خدا شناس به آنجا نمی رود!) ولی زیباترین مساجد دنیا از مسلمانان واقعی خالی است و بعنوان یک عتیقه و به عنوان یک آثار تاریخی حفظ کرده اند اما هیچ ندائی که حاکی از خدا پرستی و ایمان باشد در آن جا بگوش نمیرسد خوب این مطالب را بعنوان مقدمه صحبت کردم

نه بعنوان خاتمه ، آقای عباس میرزائی آن دفعه که صحبت میکردم آب خوردم و شما ایراد گرفتید نه واعظ نباید آب بخورد ولی واعظ توی وعظش صلوات میخواهد و استراحت میکند و اینجا پشت تریبون است (عباس میرزائی - بفرمائید، آب بخورید ما عاشق اینگونه حرفهای خوب هستیم) عرض کنم که پیشرفت کردیم ، ترقی کردیم ، دشمن هم داریم استعمار هم نمیخواهد ما را ببیند میخواهد همانطور که در گذشته با این تلقنهای قارقارکی ما تماس میگرفتیم باز هم همان وضعیت را داشته باشیم اما حالا خطوط ارتباطی ما بادینا برقرار شده ارتباطمان بادینا است هر روز در روزنامه میخوانیم که ارتباط مستقیم ایران بافان کشور برقرار شد اینها مواهب انقلاب و پرمایه های انقلاب است پول اگر خرج کردیم باین راهها خرج کردیم نارسائیهام بوده و هست ضایعات هم بوده و هست و خواهد بود (تجدد - نباید باشد) ضایعات منطقی است آقای دکتر تجدید به نفر مهمان درخانه ابت دعوت میکنی یک مقدار از غذا میماند در حد معقول و منطقی است. اما باید دولت هم خوشیار باشد و مجرمین را هم تعقیب کند. تشبیه کند زیرا اصل تشبیه و تشویق باعث پیشرفت یک مملکت است برای اینکه واقعاً از این شایعات جلوگیری بشود از این بیج بیج کردنهایی که مخصوص گوشه نشینها و پیره زنهای کنج خانه نشین است جلوگیری بشود (خاتم برومند - یا بیمردان!) خیلی صریح همانطور که شاهنشاه دستور داده اند و دولت اجرا کرد. قوی تر اجرا کند خائنین و مجرمان را بیای میز محاکمه بکشاند و بملت ایران اعلام کند که نتیجه خیانت این است نتیجه اینکه همراه و همگام با مردم نباشید، این است. اما یک نکته ای را باید عرض کنم من معتقدم که باید اول جرم کسی ثابت شود بعد استعفاء را اعلام کنید ما در مملکت قانون داریم ما در مملکتی زندگی میکنیم که عدالت بر همه افراد ملت سایه افکنده میخورد و بی جهت عرض مردم را هم بر باد ندهید دولت نباید تایید جرمی ثابت نشده در روزنامه ها اعلام کند. وقتی که فلان مقام را تحت تعقیب قرار میدهید (یکنفر از نمایندگان - مثل علیزاده و صیرفی) اول و خیلی زود ثابت کنید و بعد اقدام کنید چون اگر این اصل رعایت نشود موجب تزلزل در جامعه میشود موجب تزلزل در فکرها میشود، هرسانک است و خوفناک است و جامعه نمی تواند مطمئن گام بردارد اصل تشویق و تشبیه باید در مملکت بوجود بیاید اما در

بامورین و اعمالشان باید نظارت کرد چند سال پیش در کتابهایی خواندیم، که بر در دروازه کاخ مدائن زنجیری بسته بودند که مخصوص متظلمین بود به آنان که ظلمی وارد آمده بود زنجیر را تکان میدادند و به درد دلشان میرسیدند خسروانوشیروان را چنین توصیف میکردند. در عدالت و خسروی زمان شاهنشاه آریامهر زنجیر متظلمین بازرسی شاهنشاهی است (صحیح است) بازرسی شاهنشاهی چشم و گوش شاهند و مردمی هستند که باید قطعاً هم چنین هستند که حقایق را بشاهنشاه اعلام کنند و میکنند (یکنفر از نمایندگان - مجلس هم هست) آقا دارند رک میگویند (یکی از نمایندگان - شاهنشاه این وظیفه را بعهده شما هم گذاشته اند) بله شاهنشاه این وظیفه را بما داده و ما هم بوظیفه مان واقفیم حرفی نیست، ملت ایران ما را انتخاب کرد این انتخاب اراده شاه بوده و هست برای ایجاد دموکراسی و آزادی، اراده هیچ کس دیگری در آن نیست اراده شاهنشاه و مدلول قانون، اراده ملت است و هیچ کس دیگر در انتخاب بنده مؤثر نیست و رستاخیز هم اینجا بایستی با صداقت و درستی انجام شود (صحیح است) قطعاً شاهنشاهی که اعلام میکنند سیاست دموکراسی و آزادی خود ادامه میدهم ملت ایران بیش از پیش طعم آزادی را چشیده و خواهد چشید همه طبقات ، زن و مرد ، بزرگ و کوچک ، کارگر و کشاورز اما در برابر این مواهب همه وظیفه دار هستیم . کارگر! تو که از مواهب انقلاب برخوردار شدی باید در برابر خرابکار احساس مسئولیت و وظیفه داشته باشی ، کشاورز! تو که از زمین رسته ای باید در برابر خائن و خرابکار وظیفه داشته باشی و مسئولیت. بعبارة با خرابکار برخیزی همه باید احساس مسئولیت کنیم از بالا تا پایین نه اینکه موقع خوشیها خودمان را جلو بیاندازیم و در مواقع حساس و بحرانی ساکت باشیم .

ساکت باشی ، خاموش باشی ، این خیانت است (احسن است) ملت ایران می شناسد اینگونه افراد را شاهنشاهی ایران و شاه ایران ارج مینهد خدمات مردم زحمتکش را که از همه طبقات برای پیشرفت و ترقی و تعالی گام بر میدارند از آن کارگری که نیمه شب پشت چرخ کارخانه بیدار میماند در انقلاب ایران سهم بوده و هست تا او برو نخست وزیر همه شریک و سهمیم هستیم و همه در یک کشتی نشسته ایم باید اجازه ندهیم که کسی این کشتی را سوراخ کند اگر سوراخ کرد همه از بین میرویم ، همه نابود میشویم یک نکته ای را عرض کنم اسلام بزرگ مقام

داده بیانون مقام داده است قدر زن در اسلام بالاست اسلام زن را ارضعی که برایش بوجود آوردند و زنده زنده زیر خاک مدفونش میکردند نجات داده قرآن میگوید و اذا بشر احدکم بالانثی ظل وجهه مسوداً وهو کظیم . وقتی یکی از آنها میگفتند خدا بتو دختر عنایت کرده ظل و جبه مسوداً چهره اش تاریک میشد آثار خشم و غضب در چهره اش آشکار میشد و هو کظیم از میان مردم بغض نظر ننگ دختر داشتن بیرون میرفت و ستواری میشد نمیدانست ایسکه علی هون ام بدسه فی التراب یا در خاک مدفونش کند یا اینکه ننگ حفظ و حراستش را قبول کند اینها آیات قرآن هست اسلام زن را از این وضعیت رساند چاشمی که باوشخصیت داد مقام مادری بالاترین مقامهاست زن در سازندگی اجتماع شریک و سهمیم شد اسلام آموختن علم را بر زن و مرد واجب کرده بود زن در راه آزادی جامعه گام برداشت قدم نهاد قطعاً خطبه حضرت زینب را خوانده و شنیده اید زنی است که در مکتب اسلام پرورش یافته زنی است که تحت تعلیمات عالیه علی (ع) تربیت یافته رشید و قوی روحش روح بزرگ تحملش بی پایان در برابرش سر بریده برادرش را قرار دادند در آنجا مردم سست عنصر کوتاه بین کوفه را مورد خطاب قرارداد و گفت انظمت انک قد اخذت علینا قطار السماء و افاق الارض - امن الغدل باین الظفء این از عدل و داد گستری است ای بسر آزاد شدگان زن مصیبت زده ای که بسرانش را کشتند برادرش را کشتند اقوامش را اسیر کردند در یک مجلس بعنوان یک اسیر میگوید فکر کردی که آسمان و زمین را گرفته ای چه فکر کردی؟ خاصیت زمان ما این است که زن عفیف، نجیب، فاضل دانشمند، و درست مطابق قوانین اسلامی عمل کند باید مادر راهی گام برداریم که راه اسلام و راه ایران است (صحیح است) و من این مطلب را عرض میکنم که اسلام دینی است که زن را زنده کرد و بزرگ حیات جاودان بخشید و زنان مسلمان استقلال مالی و اقتصادی پیدا کردند این حق است که اسلام داده (دکتر تجدد - در ایران باستان هم زنان خیلی ارج داشتند) کسی منکر نیست ما خونمان را با اسلام عجب کردیم برگردم به اصل مطلب جناب آقای رئیس اگر من به همه این یادداشتها به پردازم وقت زیادتر خواهد برد ، در کار دولت چه این دولت و چه دولت گذشته نکته ای را عرض می کنم، دولت ها در یک برهه ای از زمان در انقلاب ایران وظایفی بعهده شان محول است، وزراء آن دولت و رئیس آن دولت در حد توان و قدرتشان

برای بگردش در آوردن چرخ انقلاب ایران کوشش کردند و یقین بدانید اگر تسامحی و سهل انگاری نبی داشتند گردش چرخ انقلاب ایران آنها را خرید می کرد (یکی از نمایندگان - مورد تأیید اعلی حضرت بودند) مورد تأیید فرمانده انقلاب بودند ، این دولت هم وظیفه ای دارد در برهه ای از زمان برای بسر رساندن انقلاب ایران و برای حرکت بسوی تمدن بزرگ ، این دولت باید برنامه دولت پیش را به دقت بررسی بکند و جبران اشکالات گذشته را بکند شما یک برهه ای از زمان بعهده تان هست ، عرض کردم در ابتدای عرایض کارنامه ای در آخر کار ملت ایران و فرمانده انقلاب دست شما میدهد ، امیدوار هستم که ارقام این کارنامه باعث سر بلندی شما باشد (انشاء الله) اینجا این تریبون هم برای این است که قانون اساسی مملکت و نظام شاهنشاهی مملکت ، خاصیت انقلاب شاه و ملت در زمان رستاخیز این آزادی را بمن داده که من بیایم اینجا و اشکالات کارتان را بگویم ، عرض کردم چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطا است ، از دلم میگویم اگر حرف میزنم درد است که میگویم اگر انتقاد می کنم واقعیت است که میگویم ، نباید به قیای کسی برو خورد ، نباید کسی بریش بگیرد ، باید گفت چون رهبر انقلاب فرموده که بگوئید و انتقاد کنید در فضای رستاخیز ، اگر نمی توانید و حوصله شنیدن انتقاد را ندارید پس شما مردان انقلاب نیستید ، مرد انقلاب مرد متخلق است ، مرد انقلاب مردی است که سینه اش باید گشاده باشد از نظر روحی باید قوی باشد به بیند اشکال کار کجاست رفع کنید بعد بیایید با افتخار بگوئید که این اشکالات را رفع کردیم بیایید بگوئید که این گرفتاریها را مرتفع کردیم و بیایید احسن مجلس را بگیرید ، چرا عصبانی و ناراحت می شوید؟ چرا بدتان می آید؟ نباید بدتان بیاید اینجا مجلس است ،

بنازم به بزم محبت که آنجا
گدائی بشاهی مقابل نشیند
مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
زبانی که برخاست مشکل نشیند
در برنامه گرفتاری هست ، مشکل هست ،
اینجا مطلبی عنوان شده که باید عرض کنم دیدها
با هم فرق می کند یک موقع دید قرن نوزدهم داریم و
یک موقع دیدمان دید قرن بیستم و او اخر قرن بیستم است ، بحث
تخلیه روستاها چون گفته شد در گذشته روستاها در محکمی

برای مقابله با اقوام متجاوز بوده و الان روستاها تخلیه می شوند و استقلال ایران در خطر است، باید عرض کنم که این یک دید قرن نوزدهم است، دیدی است که وقتی می خواستند جنگ کنند با شمشیر و نیزه و تیر و کمان جنگ میکردند، حالا شمشیر دیگر فایده ای ندارد و یک چیز تشریفاتی است (عباس میرزائی - گاهی هم بی برد) مواظب باشید که به شمشیر اتمام زمان بر نخورید، امروز ما باید در سیستم کشاورزیمان که نباید حرفش را بزیم، چون زیاد حرفش را زده ایم مرتب گفتید که ما تعاونی شهر و روستا درست می کنیم دیگر امروز هم گذشته که بنده ۴ متر زمین داشته باشم، پایش بنشینم و ۴ من چغندر بکارم یا گندم (ظفری - وارد می کنیم) وارد هم نمی کنیم جناب ظفری جمعیت را در نظر بگیرید مصرف را در نظر بگیرید، آنموقع بنده و جنابعالی در ماه ۲ مرتبه برنج می خوردیم. آنموقع در ماه بنده و جنابعالی یک پیراهن می پوشیدیم الان امروز صبح جناب عالی که حمام می کنید از زیر پوشتان عوض می کنید تا لباس رویتان تا کراواتتان (دکتر تجدد - حق ما است که عوض کنیم) حق شماس و ولی باید انصاف هم داشته باشید، انقلاب این حق را به شما داده آقای تجدد، اما باید در انقلاب هم کار بکنید، انصاف هم داشته باشید، در گذشته جمعیت ایران یک جمعیت قلیل بود، اما جمعیت ایران الان یک جمعیت عظیمی است، زمین ما همان زمین است، آب همان آب است، امکانات را داریم فراهم می کنیم، ولی امکانات را که یکشنبه فراهم نمی کنند که آیدیم کشاورزی مملکتان را با کشاورزی هلند و فرانسه مقایسه می کنیم، اینجا کویر دارد آنجا یک متر زمین بایر ندارد، تو که رفته ای آقای تجدد بنده نرفته ام (مظهری - کشاورزی سنتی را تخطئه نکنید) کشاورزی سنتی تخطئه نمیشود آقای مظهری، اما دیگر گذشته که بنده بنشینم پای ۴ متر زمین، دیگر نمیتوانی با دست و باخیش و با گاو ده متر زمین یا پنجاه متر زمین شخم بزنی، باید وضعی بوجود بیاوریم که برویم بسوی قطبهای کشاورزی (مظهری - سالیانست که رفته ایم) درست نبود غلط بود دیگر در زرند کرمان یک دروستانی نمی ماند که سالی ۱۲۰۰ تومان بگیرد فرزند روستائی میخواهد مدرسه برود، میخواهد لباس خوب داشته باشد، میخواهد زندگی خوبی داشته باشد، غذای خوب داشته باشد، اینرا بن می گویم ما نمیتوانیم جمعیت قحطمان را در روستاها متمرکز کنیم ما نمیتوانیم جمعیت کشاورزان را در روستاها متمرکز کنیم در آمریکا

درصد جمعیت در روستاها هستند و کشاورزی می کنند در اروپا، ۲ درصد در مملکت ما ۷۰ درصد جمعیت متمرکز در روستاها هستند (همهمه نمایندگان)، نمیشود، خاصیت زمان اجازه نمی دهد، باید درک کرد این مسائل را با دید برون نوزدهم نمیشود کشاورزی مدرن درست کرد (تجدد - باید جامعه روستائی به تکنیک کشاورزی آشنا بشود) ما باید بطرف صنعت و تکنیک برویم ما احتیاج به نیروی کارگر و کشاورزی مدرن و مکانیزه داریم و کسانی که اهمال کرده اند به پای محاکمه میکشیم و تشخیص آن با فرمانده بزرگ مملکت است. ما باید دارای افرادی باشیم ارزنده، فعال، مبتکر که قابلیت این را داشته باشند که وارد دروازه های تمدن بزرگ بشوند. آقای پزشکپور از شما یک سوال دارم همین درد بنده و درد جنابعالی هم هست، آیا کشاورز خوزستانی باخرمایی که در سال گیرشان می آید می تواند زندگی شان را اداره کنند (پزشکپور - تا سلف من هم از این است) نمی تواند آقای پزشکپور باید راه دیگری برایش بوجود بیاوریم این وظیفه دولت است که این طرحهای اساسی را بوجود بیاورد من از دولت دفاع نمی کنم مدافع دولت هم نبوده ام و نخواهم بود البته مدافع حق خواهم بود (عباس میرزائی - دولت هم حق است) در زمان یکی از خلفا، خلیفه میگفت اگر من کج رفتم شما بمن بگوئید، یکی از حاضرین بلند شد و گفت که ما با شمشیر است میکشیم، حالا هم در زمان انقلاب اگر کسی کج رفت یا خطا کرد با شمشیر زبان آنقدر میگوئیم تا براه راست هدایتش کنیم جامعه ما یک جامعه متحول و یک جامعه انقلابی است و ما داریم مسائل را تجربه میکنیم، پس این گرفتاریها بر ایمان بوجود می آید باید تحمل داشته باشیم و باین مسائل توجه کنیم، و باین مسایل برسیم پس نه حرف کسی را قبول میکنیم که گفت ملت ایران پرخور شده و بدهن آن شخص میزنیم ملت ایران در سایه انقلاب از یک تغذیه خوب و از یک زندگی خوب و از یک رفاهی برخوردار شده باید پایبای آنکه کمبودهای ما را تأمین میکنیم سعی کنیم این کمبودها را در مملکت رفع کنیم و بحد خود کفائی برسیم دیگر معقول و منطقی نیست که ما خواسته باشیم از درآمد نفتمان کالا از خارج وارد بکنیم (تجدد - کالاهای سرمایه ای باید وارد بشود) البته لازم است یک مقدار باید وسائلی که لازمه سرمایه گذاری بنیادی است وارد کنیم ما باید برسیم که درصد احتیاجات خودمان را هر چه بیشتر بتوانیم تأمین کنیم، ملت ایران نمی تواند قبول کند که میوه گران بخرد ملت ایران نمیتواند قبول کند که مردم

نارنگی کیلویی ۷۰ تومان بخورند بنابراین باید تحریش کنند و من این پیشنهاد را میکنم فکر می کنم که خانها و آقایان هم با من همصدا باشند پیشنهاد من اینست که میوه گران را تحریم کنیم (صحیح است) (دکتر صدر - اغتیا پیروی نمیکنند) ما برای اینکه واقعا نشان بدهیم در زیر تحمیل باردستگاهها با افراد نمی رویم تحریم می کنیم، (آفرین) باید این نوع زندگی را تحریم کنیم برای اغتیا، زندگی باید حساب و کتاب داشته باشد آنها باید تبعیت کنند. در یک جامعه انقلابی مجبور هستند که تبعیت کنند (دکتر اسفندیاری - تولید را باید بالا ببریم) از فرصتی که بمن دادید و از مزاحمتی که بوجود آوردیم تا عرایض را در ساحت مقدس مجلس بسنج برسیم بشکریم (احسن) باز تکرار می کنم ملت ایران، مردم ایران، مجلس ایران، محکوم می کند خدعه ها نیرنگ ها و دسیسه های استعمار را، اینها حرکات مذبحخانه استعمار است و ملت ایران بخوبی این دسیسه ها را می شناسد دولت های ایران هم توانسته اند وظایفی را که رهبر انقلاب بعهده شان گذاشته انجام بدهند این توطئه ها و خدعه ها زبطی به دستگاههای دولتی نداشته و ندارد اگر تصور و تقصیری هم بوده که بعضی از مقامات اجرایی کرده اند به پای میز محاکمه کشیده شده اند یا کشیده خواهند شد و ما سپاس خودمان را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم می کنیم که به اعمال خطا کاران توجه دارند و آنها را مورد بازخواست قرار داده اند (احسن) من چه در پای تو ریزم که سزای تو بسود سر نه چیزی است که شایسته پای تو بود (احسن)

بولای تو که گر خشت زند از گل من

همچنان در دل من مهر و وفای تو بود

(احسن)

عباس میرزائی - حقا که آقای دانشی اسم با اسمانی

دارید.

رئیس - آقای رفعتی تشریف بیاورید.

رفعتی - بسم الله الرحمن الرحیم با کسب اجازه از مقام ریاست معظم و همکارانی گرامی خانها و آقایان سختم را بنام خدای بزرگ آغاز نموده و از پیشگاه و ذات توانایش باسعدا می نمایم خاک ایران، شاهنشاه ایران، ملت ایران را از شر حسودان و دشمنان و استعمارگران حفظ نموده و در کف حمایت خود نگاهدارد از او میخواهم شاهنشاه آریامهر ما را در اهداف عالی خود که اعتلای کشور و ملت ایران است یاری فرموده موفق و مؤید.

بدارد قبل از اینکه وارد در بحث بودجه بشوم مطلبی را خواستم بعرض حضار گرامی برسانم ما در گذشته و حال افتخارمان شاهنشاهی ایران بوفه (احسن) ما وقتی صحبت میکنیم از افتخارات شاهنشاهان هخامنشی و ساسانی افتخارات و فتوحات و جهانگشائی آنها و تسخیر ممالکی که آنها با ما در ستیز بودند بیاد می آوریم از افتخارات ماست شاهنشاهی ایران در طول ۲۵۰۰ سال بموانعی هم برخورد کرده است ما پادشاهی داشتیم مثل سلطان حسین که در بعضی مواقع بر نامه های اشتباهی داشتند که ما را هم بناچار دچار درد می کردند البته ما پادشاهانی مثل رضا شاه کبیر داشتیم نادر شاه داشتیم محمد رضا شاه پهلوی داریم (احسن) من بگذشته های دور و بتاریخی که مالمس نکرده ایم اشاره نمیکنم. من بتاریخی که خودم شاهد بودم و بیشتر آقایان در آن موقع هم زندگی کرده اند اشاره میکنم سال ۲۵۰۰ را بیاد می آوریم سالی که قشون باصطلاح همجوار با در آن زمان، دوست ناچوانرمد ما حمله کرد از شرق و جنوب و شمال، بی ریزی ایران امروز را که شاهنشاه اول پهلوی فرموده بودند خراب کردند.

کشتی متلاطم این مملکت بدست توانای شاهنشاهی جوان، شاهنشاهی که ناچوانرمدانه مملکتش را تسخیر کرده بودند و قشون اجانب با افراد ملت ظلم میکردند در آن حال شاهنشاه با سن کم با تجربه ای که مثل حالا نداشتند البته با اینکه یک هوشیاری ذاتی این خاندان پهلوی دارند ولی تجربه خیلی مؤثر است قراردادی بسته شد و مابله پیروزی آنها شدیم و سازوبرگ نظامی شان را با خط آهن ما از جنوب بشمال بردند، خوار باز بردند و موفقیت بیشتر دول آن روز در سایه ایران بود میخواستند قرارداد شمال و جنوب را اجرا کنند نتوانستند شاهنشاه ایران، ملت ایران در هر عصری بیدار است. منتهی وسیله میخواهد دیدیم گندمهای ما را میخریدند و میبردند و میسوزاندند! بیاد دارند دوستان ما و آنهایی که دندان پزشک هستند میدانند که من چه میگویم از لته هائی که عمل میکردند سبوس نان را در می آوردند. و آن موقع نانها بنام نان آجری مشهور بود صفهای طولانی که برای نان جلوی نانوائی ها کشیده میشد فکر میکنم که اکثرا بیاد دارید. فکر میکنید آن سوانح همینطور گذشت؟ آن سوانح با درایت خاص شاهنشاهان با حوصله شاهنشاهان با ابتکار ذاتی شاهنشاهان گذشت و از بین رفت آن فیللهائی که احزاب در می آوردند فکر میکنیم چه میگفتند و چه میخواستند؟ هدف چی بود البته هدف چیز دیگری

بود. شاهنشاه حوصله فرمودند. تبر فرمودند و بی فرصت بودند با دولتهای قوی با دست خالی نمیشد جنگید سال ۳۲ را هم پشت سر گذاشتیم با آن جریاناتی که میدانیم و بنده نمیخواهم وقت دوستان را بکیرم نفت ملی شد و ابتکار آن بدست شاهنشاه آریامهر بود البته خطوط و خط مشی هر دولتی باید معین باشد.

ما میگوئیم رهبر، رهبر عالیقدر، رهبر عالی مقام، این رهبر چه نسی باید باشد؟ باید شاهنشاه آریامهر باشد بایستی شاهنشاه امر کند تا نفت ملی نشود. دولت هم بایست درست اجرا کند ملت ایران همیشه و در هر حال برهبر احتیاج داشته و خواهد داشت رهبری که نظام شاهنشاهی داشته باشد فرهنگ ما، وضع جغرافیایی ما ایجاب میکند که چنین باشد. ما بیشتر گردانیم حصه و تیفونیدر امارا را را هم همینطور و اینها را بشون بیگانه با رمغان آورده بود باز من بر میگردد به نزدیکتر، یعنی بعد از انقلاب، یعنی ۱۵ سال اخیر بعد از انقلاب شاه و مات همانطور که دوستان اشاره کردند کارگر بحش رسید کشاورز بحش رسید (صحیح است) دولتها در هر حال مجری نیات و رهبری شاهنشاه هستند دولتی را که اعلیحضرت تعیین میفرمایند وزرائی که، رئیس دولت بحضور مبارکشان معرفی میکند از لایقترین، شریفترین و پاکترین افراد باید باشند والا اعلیحضرت آنها را قبول ندارند چیزی که اعلیحضرت رویش صحنه میگذارند یعنی پاکترین و لایقترین و کاردارانترین. این وزیر یک انسان است یک عده کارمند، یک عده معاون و یک عده کارگزار یا دارد یا استخدام میکند یا از جای دیگر میآورد برحسب ذابطه ای که دارد ولی راه فراری از آن خطبشی که رهبر مملکت برای او مشخص کرده اند ندارد. اجرای او باید با سلیقه خاصی باشد در خلال صحبت عده ای شنیدم که میگفتند بعضی ها خیانت میکنند این ممکن نیست. پادستگاههای بازرسی که در هر کجا هست، پاد این مملکت حساب برسان قسم خورده داریم و از اینها گذشته باینهم اکتفا نشد، بازرسی شاهنشاهی تشکیل شده که چشم و گوش شاهنشاه هستند، باین هم اکتفا نشد. کمیسیون شاهنشاهی تشکیل شده شما ملاحظه فرمودید از رادیو تلویزیون که این کمیسیون شاهنشاهی چقدر ظریف نکته ها را پیدا کرده بودند چقدر در این گوشه و آن گوشه مملکت رفته بودند و بازرسی کرده بودند اگر جایی سهل انگاری شده بود و یا راهی دیر ساخته شده بود بوزیرش گوشزد کردند. احیاناً اگر خیانتی هم شده بود مقطر را تعیین کردند پرونده های متعددی هم ایجاد شد پس دستگاه مملکت یک دستگاه منظمی است یک

دستگاهی است که میشود روی آن واقع حساب کرد و در ردیف دستگاه های مترقی جهان، چه بیم داریم؟ عرض کنم خائن را باید تشبیه کرد در زمان انقلاب پیشرو ما، خائن نباید وجود داشته باشد اگر باشد انسان نیست و ما این انسان را قبول نداریم. ما انسانها را قبول داریم. (احسنت آفرین). یک موقع جناب رئیس مجلس فرمودند که من رفتم لندن یکی از همکاران مجلسی ام خدمتشان بود در هاید پارک لندن آن همکار میگردد و یک گل را پیدا میکند که ساقه اش کج بوده میگوید قربان ببینید این ساقه گل کج است جناب رئیس میگویند شما این همه زیباییها را ندیدید و رفته اید این ساقه کج را پیدا کرده اید چه کردید خوبها را پیدا کنید. میگویند پول نفت چه میشود؟ کارخانه ذوب آهن شده، مس سرچشمه کرمان شده، جاده هائی شده که خودتان و خود ما هر روز ادب میزنیم که یک قسمتش مانده. اتوبانها، برق سراسری، لوله آب و گاز، سدهای عظیم را اگر ندیده اید بنده نشأتان میدهم. همین چند روز پیش بود که ما رفتم بوشهر نیروگاه اتمی را دیدیم. خدا را شاهد میگیرم من اهل مدهانه نیستم البته نارسائنها را هم خواهم گفت. وقتی بالای برج رفتم بخدای متعال گریه ام گرفت. چرا آقای رامبد این جوانان مملکت را بانجا نمی برید. چرا من نماینده را می برید. این جوانهای مملکت این دانش آموزان این دانشجویان را برای گردش های دسته جمعی آنجا ببرید تا ببینند. چرا چیزی را که از نزدیک می توانند ببینند از دور ببینند؟ این مسأله حسادت و رقابت در دنیا هست ما حسود داریم ولی فکر نمیکنم دشمن داشته باشیم چون آزار ما ایرانیان بکسی نمیرسد شاهنشاه ما جز سعادت جهانیان چه خواسته اند جز اعتلای کشور چه میخواهند چه کسی میگوید من دلسوزتر از شاهنشاه نسبت بکشورم هستم چه کسی میگوید من امید بیشتر باینده ایران بیش از شاهنشاه دارم شاهنشاهی که موظف است شاهنشاهی ایران را بدست فرزندش بسپارد من پشت کوهی یا ایلامی و کرمانی دلمان برای شهرمان میسوزد ولی این محمد رضا شاه دلش نمی سوزد؟

همه ما، مجلس ایران، ملت ایران در یک لخط هستیم و پشت سر شاهنشاه اگر چیزی غیر از این بگوئیم دیگر آن مسأله رستاخیزی نیست دیگر آن مسأله هرج و مرج است دیگر آن مسأله خط مشی نیست و آن خبث طینت است که بروز میکند فکر میکنم عقیده همه شما هم همین است بیائید هدفی را که داریم درست دنبال کنیم وزیر درست

برود، وکیل درست برود، معاون درست برود کارمند و کارگرو کشاورز همینطور دنبال هدف برویم شاخه شاخه رفتن نباشد من و توتی نباشد. باشد که ما روی آن اصل صحیحی که بنیادگزاری شده است بمقصود برسیم از صحبت دور نشوم این ۱۵ سالی که ما در انقلاب بودیم دولتها آمدند و رفتند همانطور که عرض کردم این دولتها مورد تأیید اعلیحضرت بودند ملت ایران و مجلس ایران هم روی آنها صحنه گذاشتند اگر خدمت درست نمیکردند مجلس ایران که بکفر و دوتفر نیست ۲۶۸ نفر نماینده هست که همه از مناطق مختلف ایران و نماینده مردم ایران هستند اگر خطائی کرده بودند این ۲۶۸ نفر نماینده مجلس شورای ملی و آن ۶ نفر سناتور که همه از مردان لایق مملکت هستند که عمری را در خدمت مردم و سیاست مملکت گذرانده اند آنها را تأیید نمیکردند اگر من کشاورز کم تجربه هستم علامه وحیدی کم تجربه نیست در همین مجلس هستند افرادی که امید مملکت هستند خود جناب عالی آقای رامبد مگر کار مجلس نبودید و وزیر شدید در سال ۱۴۰۴ با اعلیحضرت شش ماده بملت ایران ارائه شد و ملت ایران با جان و دل بآن رأی قاطع داد انقلاب اساسی شاه و ملت باشش ماده شروع شد و در حال حاضر به ۱۹ ماده رسیده است این خط مشی اساسی است این خطوط اصلی کار است این خطوطی است که دولت موظف با اجرای آن است و ملت موظف به پیروی از این اصول است در مورد قوانین

دولت لایحه بمجلس میدهد. ۲۶ نفر نماینده روی آن صحبت میکنند بررسی میکنند در کمیسیونها و در جلسات علنی مجلس روی آنها بحث و صحبت میشود و روی آن صحنه میگذارند وقتی مجلس رأی داد دیگر آن قانون است و محترم است و همه موظف به تبعیت از آن هستیم انقلاب شاه و ملت هم با ۱۹ ماده که خط مشی زدگی ما و روش مملکت است برحسب قوانین و بنا بر اصول قانون اساسی و اصل نظام شاهنشاهی بوجود آمد و همه باید پیرو آن باشیم خیلی کارهای اساسی در ظرف این ۱۵ سال انجام شد. سدسازی، خط آهن جدید، لوله آب شهرستانها آسفالت شهرستانها چه کسی یاد دارد سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ را کدام شهر آسفالت داشت؟ تهران سنگ فرش بود پادتان هست آقای شادمان، سنگ فرش تهران را؟ بقیه خیابانها هم خاکی بود.

۵- اعلام دستور جلسه آینده - ختم جلسه .

رئیس - آقای رفعتی، وقت این جلسه تمام شد بقیه صحبتتان را در جلسه بعد از ظهر بفرمائید. با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم میکنیم. جلسه بعد ساعت سه بعد از ظهر امروز خواهد بود و دستور جلسه ادامه بحث در کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۰۳ کل کشور است.

(جلسه ساعت یک بعد از ظهر پایان یافت)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی